حوزه انقلابي از نگاه انديشمندان

7 شهريور 1397

عناوين حاضر از سه جلد كتاب منتشر شده توسط پژوهشكده علوم و انديشه سياسيِ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلاميِ دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم استخراج شده است. اين سه جلد حاوي 8 عدد گزارش نشست و 22 مقاله است كه همگي تحت عنوان كلّي «حوزه انقلابي» تجميع شده‌اند. سپس اطلاعات سه منبع ديگر نيز به آن اضافه گشت. نخست عناويني كه از گزارش سه جلسه جامعه مدرسين تحصيل شده، جلساتي كه در ارديبهشت 1395 برگزار شده و اعضاي جامعه مدرسين ديدگاه‌هاي خود را درباره حوزه انقلابي در اين جلسات بيان داشته‌اند. نظريات 15 تن از اعضاي جامعه مدرسين در اين بخش ذكر شده است. دو منبع ديگر شامل عناوين فيش‌هاي برگزيده‌اي از فرمايشات امام راحل(ره) و مقام معظّم رهبري است كه با جستجوي كليدواژه‌هاي مرتبط با «حوزه انقلابي» از نرم‌افزارهاي توليدي مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي (نور) استخراج شده. تمامي اين عناوين در كنار هم قرار گرفته و طبقه‌بندي گرديده‌اند.

فهرست عناوين اصلي

1. منابع
2. مفهوم‌شناسي واژه انقلاب
3. ويژگي‌هاي انقلاب اسلامي ايران
4. تعريف حوزه انقلابي
5. در كلام بزرگان
6. وضع موجود حوزه علميه قم

فهرست عناوين فرعي

1. منابع
2. مفهوم‌شناسي واژه انقلاب
	1. از نظر لغوي
	2. از نظر تاريخي
	3. از نظر علمي
	4. از نظر رفتار
	5. شاخص‌هاي انقلابي‌گري در بيان رهبري
	6. بر اساس ويژگي‌هاي احساسي
	7. بر اساس كنش فعالانه
	8. بر اساس پايبندي به انقلاب اسلامي
	9. بر اساس رويكرد جامع اوصاف انقلابي
	10. بر اساس توصيف آيت‌الله خامنه‌اي
	11. چند انگاره در تعريف انقلابي بودن
3. ويژگي‌هاي انقلاب اسلامي ايران
	1. مبدأ
	2. شعارهاي اساسي
	3. به ميدان آمدن علماي سنّتي الهام گرفته از دوران طلايي اسلام
	4. مبتني بر نظريه ولايت مطلقه فقيه
	5. نيروسازي و بازگشت به اصالت‌هاي انساني و ديني
	6. رسالت‌مداري و پاسخگويي به نيازهاي ديني
	7. نظام‌سازي و كار تشكيلاتي
	8. آزادي از حضور قدرت‌هاي جهاني
4. تعريف حوزه انقلابي
	1. پايبند به ارزش‌هاي انقلابي و مورد تأكيد مؤسس انقلاب
	2. هدايتگر سياسي
	3. استكبارستيزي
	4. ايجاد زمينه رشد نيروهاي انقلابي
	5. واسطه شدن طلاب بين امت و امام در جامعه انقلابي
	6. تأسيس‌كننده دولت اسلامي و جامعه اسلامي و تمدن نوين اسلام
	7. تلاش براي توانمند و اسلامي كردن علوم انساني
	8. انديشيدن به رسالت جهاني اسلام و انديشيدن به اسلامي در حجم تمام جهان
5. در كلام بزرگان
	1. امام خميني ره
	2. آيت‌الله خامنه‌اي
	3. آيت‌الله مطهري
	4. آيت‌الله صافي
	5. آيت‌الله جوادي
	6. آيت‌الله مهدوي كني
	7. آيت‌الله يزدي
	8. آيت‌الله استادي
	9. آيت‌الله مقتدايي
	10. آيت‌الله اعرافي
	11. آيت‌الله بوشهري
	12. حجةالاسلام احمد واعظي
6. وضع موجود حوزه علميه قم
	1. در نسبت با انقلاب
	2. در نسبت با سياست
	3. در نسبت با پيشرفت
	4. در نسبت با مردم
	5. در نسبت با علوم انساني
	6. آسيب‌هاي در معرض

عناوين تفصيلي

1. منابع
	1. حوزه انقلابي و كنشگري سياسي روحانيت
		1. عبدالحسين خسروپناه
		2. كاظم قاضي‌زاده
	2. چيستي و الزامات حوزه انقلابي
		1. عليرضا پيروزمند
		2. محمود شفيعي
	3. حوزه انقلابي و دولت‌سازي در جمهوري اسلامي ايران
		1. نجف لك‌زايي
		2. مسعود معيني‌پور
	4. مناسبات حوزه و انقلاب اسلامي
		1. رضا اسلامي
		2. عبدالوهاب فراتي
	5. حوزه انقلابي و آسيب‌شناسي علوم حوزوي
		1. سيدسجاد ايزدهي
		2. ابوالقاسم مقيمي حاجي
	6. نقش حوزه در اسلامي‌سازي علوم انساني
		1. قاسم ترخان
		2. حميدرضا شاكرين
	7. حوزه انقلابي و مسئوليت‌هاي فراملي
		1. سيدصادق حقيقت
		2. غلام‌رضا بهروزي‌لك
	8. حوزه انقلابي و مسأله فلسطين
		1. محمدعلي ميرزايي
		2. صادق رمضاني گل‌افزايي
	9. انقلابي‌گري، هويت‌ساز حوزه و روحانيت
		1. عليرضا پيروزمند
	10. اقتدار مدني روحانيت و چالش‌هاي نوين آن
		1. عبدالوهاب فراتي
	11. شاخص‌هاي علوم حوزوي در تراز حوزه انقلابي
		1. سيدسجاد ايزدهي
	12. عوامل سياست‌زدگي در ميان حوزويان و راه‌هاي برون‌رفت از آن
		1. سيدكاظم سيدباقري
	13. حوزه انقلابي و صدور فرهنگ انقلاب اسلامي
		1. محمداسماعيل نباتيان
	14. جلوه‌هاي انقلابي‌گري در حوزه‌هاي علميه قبل از انقلاب اسلامي
		1. مهدي ابوطالبي
	15. اجتهاد پويا؛ رويكرد حوزه انقلابي
		1. سيدمحسن طباطبايي‌فر
	16. تحليلي از تداوم انقلابي‌گري روحانيت در جمهوري اسلامي ايران در بستر جامعه‌شناسي سياسي
		1. رضا عيسي‌نيا
	17. نقش حوزه انقلابي در بازسازي هويت ملّي
		1. علي ملكي
	18. حوزه‌هاي علميه و نشر ارزش‌هاي انقلابي در بستر حقوق بين‌المللي ارتباطات
		1. كمال اكبري
	19. حوزه انقلابي و علوم انساني
		1. قاسم ترخان
	20. آسيب‌شناسي حوزه انقلابي
		1. محسن مهاجرنيا
	21. انقلاب اسلامي و دگرگوني ساختاري روحانيت شيعه
		1. محمدحسين بادامچي
	22. روحانيت و منازعات سياسي در مشروطه
		1. محمدعلي حسيني‌زاده
	23. حوزه‌هاي علميه و ضرورت اهتمام به فقه رسانه؛ بايدها و نبايدها
		1. علي دارابي
	24. شاخص‌هاي طلبه جوان مؤمن انقلابي از ديدگاه مقام معظم رهبري
		1. سيدمصطفي احمدزاده
	25. هويت حوزه‌اي و انقلابي بودن به مثابه امر سياسي
		1. عليرضا زهيري
	26. حوزه انقلابي، حفظ و تداوم نظام جمهوري اسلامي ايران
		1. مسعود پورفرد
	27. جوهره حوزه انقلابي در آينه مكتب امام خميني ره
		1. سعيد هلاليان
	28. تحول‌آفريني در تجربه امام موسي صدر و علامه فضل‌الله
		1. مجيد مرادي رودپشتي
	29. حوزه انقلابي و راهبري تمدن نوين اسلامي
		1. علي شيرخاني
	30. نقش حوزه انقلابي در تمدن نوين اسلامي با تأكيد بر انديشه حضرت آيت الله خامنه‌اي
		1. غلامرضا ضابط پوركاري
	31. مصاحبه با اعضاي جامعه مدرسين
	32. فرمايشات امام راحل ره
	33. فرمايشات مقام معظّم رهبري
2. مفهوم‌شناسي واژه انقلاب
	1. از نظر لغوي
		1. تحوّل و دگرگوني
	2. از نظر تاريخي
		1. ورود به ادبيات سياسي ايران در دوره معاصر با شكل‌گيري مشروطه
		2. تفاوت تعريف انقلابي پيش و پس از انقلاب
		3. پيش از انقلاب
			1. طرفدار رسيدن به وضع مطلوب و منتقد وضع موجود
		4. پس از انقلاب
			1. علاقه‌مند به استمرار وضعيت انقلابي
		5. لزوم تعريف حكومت پيش از تعريف انقلاب
		6. اساساً پديده‌اي ماقبل ديني
		7. وجود دانش و تجربه حكومت پيش از پيدايش دين
		8. ماحصل تجربه بشر در تعريف حكومت
			1. ارائه خدمات عمومي
			2. امنيت
			3. رفاه
			4. آسايش و آرامش
			5. حل منازعات
			6. استفاده از زور و تهديد در مواقع خاص
			7. برآورده شدن نيازهاي شخصي و رفاه حكمرانان
	3. از نظر علمي
		1. انقلاب در علوم حوزوي
		2. مأخوذ از قلب و واژگوني
		3. فقدان اين واژه در منابع اسلامي با اين مفهوم
		4. استعمال واژه انقلاب در باب مطهرات فقه
			1. انقلاب العسير و الخمر خلاً
		5. انقلاب در علوم سياسي
		6. روش انقلابي
			1. انقلابي بودن در تاكتيك‌ها و كنش‌هاي اجتماعي
			2. استفاده از روش‌هاي قهرآميز و احساسي و خلاف قانون
			3. تندروي و حركات ايذايي
		7. هدف انقلابي
			1. هزينه دادن در مسير هدف متعالي
			2. به جان خريدن محروميت و صرف‌نظر از امكانات
		8. ارزش‌هاي انقلابي
			1. پايبند بودن به ارزش‌هاي پديدآورنده انقلاب
			2. پايبندي به ارزش‌هاي مورد تأكيد مؤسس انقلاب
		9. تكامل دانش‌ها، ساختارها، ابزارها، روابط و آدم‌ها در يك جهت
		10. كاهش بي‌نظمي و به‌هم‌ريختگي
		11. انسجام بيشتر
		12. افزايش كارآمدي
		13. بهره‌وري بيشتر
		14. از نظر سياسي
		15. تغيير و تحوّل در جامعه و وضع موجود
		16. در مقابل واژه محافظه‌كار
	4. از نظر رفتار
		1. ماهيت انقلاب
		2. منفي تلقي شدن انقلاب در گذشته بشر
			1. شورش
			2. فتنه
			3. بلوا
		3. خلاف قواعد طبيعي و اجتماعي
		4. مثبت شدن انقلاب در صورت غلبه چهره خصوصي حكومت (منافع شخصي) بر چهره عمومي آن
		5. تغيير ارزش انقلاب از منفي به مثبت در پايان قرن 18 اروپا
		6. هزينه داشتن انقلاب
		7. توجه به رابطه استبداد با انقلاب
			1. هر چه استبداد شديدتر عمل انقلابي بيشتر
		8. همراه با خشونت بودن همه انقلاب‌ها
		9. دردسرساز بودن انقلاب
			1. هرج و مرج و ريخت و پاش
			2. خروج از نظم
		10. حرام دانسته شدن انقلاب توسط برخي از علماي گذشته
		11. حركت خشونت‌آميز توسط يك رهبر با بسيج كردن توده مردم براي براندازي نظام سياسي
		12. ركن رهبري
		13. ركن مردم
		14. ركن ايدئولوژي
		15. ركن هدف انقلاب
		16. انقلابي‌گري يعني مبارزه با طاغوت و الحاد
		17. ويژگي‌هاي فرد انقلابي
		18. عاقل
		19. صبور
		20. شجاع
		21. ارزشمدار
		22. ولايت‌مدار
		23. بصير
		24. دورانديش
		25. متوسل
		26. متوكّل
		27. مسئوليت‌پذير
		28. أشداء علي الكفار رحماء بينهم
		29. سعه صدر
		30. تحمّل
		31. كار جمعي
		32. فهم، تفاهم و موضع‌گيري به هنگام
			1. سخت‌تر بودن تفاهم از فهم
			2. دو طرفه بودن تفاهم
		33. گذشته و آينده شناسي
		34. موقعيت شناسي داخل و خارج
		35. شناخت دو جبهه و مرز ميان آن‌ها
			1. جبهه انقلاب اسلامي
			2. جبهه معارض انقلاب اسلامي
		36. معمولاً فعاليت‌هاي جهادي در قالب عزيمت به جهاد، رويارويي با منافقان، تبليغ علني براي انقلاب
	5. شاخص‌هاي انقلابي‌گري در بيان رهبري
		1. پايبندي به مباني و ارزش‌هاي اساسي اسلام و انقلاب
		2. هدف‌گيري آرمان‌هاي انقلاب و جهت‌گيري براي رسيدن به آن‌ها
		3. پايبندي به استقلال كشور در سه بعد سياسي اقتصادي و فرهنگي
		4. حساسيت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعيت از آن
		5. تقواي ديني و سياسي
	6. بر اساس ويژگي‌هاي احساسي
		1. برخورداري از اوصاف هيجاني
		2. پرتحرّك
		3. داراي انرژي و شور و احساس
		4. سازش‌كاري و تسليم در برابر توطئه استكبار هرگز
	7. بر اساس كنش فعالانه
		1. حضور دائم در همه عرصه‌هاي انقلاب اسلامي
	8. بر اساس پايبندي به انقلاب اسلامي
		1. التزام فكري به مباني، اصول و آرمان‌هاي انقلاب اسلامي
		2. التزام عملي به مباني، اصول و آرمان‌هاي انقلاب اسلامي
	9. بر اساس رويكرد جامع اوصاف انقلابي
		1. عادلانه
		2. خردمندانه
		3. دقيق
		4. دلسوزانه
		5. منصفانه
		6. قاطعانه
		7. بدون رودربايستي
	10. بر اساس توصيف آيت‌الله خامنه‌اي
		1. مشكّك بودن مفهوم انقلابي
		2. داراي دو وجه انقلابي مثبت و انقلابي منفي
		3. شامل ابعاد نظري و ابعاد عملي بودن انقلابي‌گري
	11. چند انگاره در تعريف انقلابي بودن
		1. نپسنديدن ساختارهاي موجود جامعه و در پي دگرگوني آن و بنا كردن ساختار جديد
		2. حامي و وفادار به نظام سياسي برآمده از انقلاب
		3. مؤمن به نظام معنايي انقلاب اسلامي
		4. اسلام
		5. جمهوريت
		6. ايمان
		7. عدالت
		8. كرامت
		9. آزادي
		10. جهاد با ظلم و استكبار
		11. حركتي دائمي براي دستيابي به آرمان‌شهر مطلوب
		12. در راستاي فرآيند تحقق اهداف اسلام بودن بينش‌ها و گرايش‌ها و روحيات و رفتارهاي افراد و گروه‌ها و اقشار و اصناف مختلف
		13. هم‌جهت و هم‌راستاي نيازهاي عصري نهضت اسلامي سامان يافتن نظام‌هاي مختلف معرفتي و انگيزشي و رفتاري يا خرده‌نظام‌ها
		14. بحراني ناگهاني و عميق و آگاهانه در ارتباط با مشروعيت حاكم در جامعه اي كه به فروپاشي و تغيير در قلمرو سياسي اجتماعي منجر مي‌شود
		15. مفهومي نسبي
		16. دگرگون كننده
		17. تغيير دهنده سياسي و اقتصاد و اجتماع
		18. دنبال كردن هدفمندي خاصي
3. ويژگي‌هاي انقلاب اسلامي ايران
	1. مبدأ
		1. نفخه الهي
		2. پوششي از باطن عالم
		3. ظهور به واسطه امام راحل ره
		4. در مقطع زماني و مكاني معيّن
		5. حركتي مستمر به سمت ظهور
		6. مجموعه‌اي هشيارانه از شكل‌هاي فرهنگي و سازماني ريشه‌دار و تاريخي شيعه
		7. امام حسين ع
		8. مراسم اسلامي
		9. شبكه مساجد
		10. روحانيت
		11. تكامل‌يافته از انقلاب مشروطه
		12. تحقق انقلاب مشروطه تحت تأثير انقلاب فرانسه
		13. برآمده از دين نبودن انقلاب مشروطه
		14. سازگارتر ديدن سلطنت مشروطه با دين توسط فقهايي مانند نائيني
		15. منجر شدن انقلاب مشروطه به استبدادي ديگر
	2. شعارهاي اساسي
		1. سياسي
		2. استقلال
		3. آزادي
		4. جمهوري
		5. مذهبي
		6. هماهنگ با دنياي اسلام
		7. هماهنگ با آموزه‌هاي اسلامي
		8. هماهنگ با تجربه اسلامي
		9. هماهنگ با هويت دين
	3. به ميدان آمدن علماي سنّتي الهام گرفته از دوران طلايي اسلام
	4. مبتني بر نظريه ولايت مطلقه فقيه
		1. سازگارتر بودن دين با آزادي به جاي استبداد
		2. سازگارتر بودن دين با حكومت مردمي به جاي سلطنت
	5. نيروسازي و بازگشت به اصالت‌هاي انساني و ديني
	6. رسالت‌مداري و پاسخگويي به نيازهاي ديني
	7. نظام‌سازي و كار تشكيلاتي
		1. تضمين شده با تدوين يك قانون اساسي كاملاً ديني
	8. آزادي از حضور قدرت‌هاي جهاني
		1. استقلال‌طلبي
		2. استكبارستيزي
		3. سازگارتر بودن دين با استقلال به جاي استعمار
4. تعريف حوزه انقلابي
	1. پايبند به ارزش‌هاي انقلابي و مورد تأكيد مؤسس انقلاب
		1. ضرورت توجه به هويت جمعي حوزه در بحث از انقلابي بودن
		2. برآيند واحدي از مجموعه نهاد حوزه و روحانيت
		3. فهميدن و فهماندن دين به مردم؛ مأموريت سنّتي حوزه
		4. افزايش مأموريت حوزه با پديده انقلاب
		5. اقامه دين به معناي برافراشتن پرچم دين
		6. اسلام اجتماعي
			1. پيوند اسلام با
			2. سياست
			3. حكومت
			4. جامعه‌سازي
			5. تمدن‌سازي
		7. تغيير مقياس دين‌داري
		8. گفتمان‌سازي بحث حوزه انقلابي
		9. ارزش تلقي شدن دخالت روحانيت در سياست
		10. نگاه تحقيرآميز به روحانيت غيرپاسخگو به مطالبات ولي فقيه و حاكميت
		11. حوزه‌اي در فضاي انقلاب اسلامي و در تراز انقلاب
		12. برآورده كننده همه نيازهاي روزآمد انقلاب اسلامي
		13. نرم‌افزار اداره جامعه و حكومت
		14. يافتن راهبردهاي نقشه راه حوزه علميه تراز انقلاب اسلامي
		15. روزآمدي و برنامه‌ريزي براي آينده علوم حوزوي
			1. پژوهش در مرزهاي دانش جهان
		16. توجه به كارآمدي احكام در مرحله استنباط به عنوان فلسفه عملي فقه
			1. دخالت زمان و مكان در اجتهاد
		17. مبتني بر اقتضائات مخاطبان
			1. رويكردي جهاني بر اساس هدي للناس
		18. مسأله‌محوري به جاي موضوع‌محوري در دانش‌ها و تدريس‌هاي حوزوي
		19. نظام‌وارگي و سازگاري احكام در ابواب مختلف
		20. پرورش متصدي پاسخگو به مسائل نظام به جاي نظريه علم براي علم در نظام آموزشي حوزه
		21. انقلابي بودن در سه ساحت
		22. بينش
		23. منش
		24. كنش
		25. ضرورت حُسن ظنّ نسبت به مسئولين و حاكميّت اسلامي و عدم ترويج گرايش‌هاي سوءظنّ در حوزه
		26. نادرستي نپرداختن به مسائل انقلاب و جهان و «بي‌تفاوتي» نسبت به آن‌ها در منابر
		27. ارزش بودن انقلاب اسلامي و انقلابي بودن
		28. ترديد پيدا نكردن در مفاهيم انقلابي و در مبارزه با قدرت‌هاي ظالم و سلطه‌گر
		29. نادرستي تندروي‌هاي افراطي به نام انقلاب و متهم كردن بزرگان انقلاب به غيرانقلابي بودن
		30. نادرستي مساوي تلقّي كردن حركت انقلابي با آشفتگي، سردرگمي و سنگ روي سنگ بند نشدن
		31. حفظ شور انقلابي، ساختن با مشكلات و رويگردان نشدن از طعن و دقّ ديگران
		32. ماندن در صحنه، مأيوس نشدن و مراقبت براي عصباني نشدن و از كوره در نرفتن، در مقابل اعتراض‌ها
		33. متهم كردن نيروهاي انقلابي به افراطي‌گري، نقشه‌اي انحرافي از سوي دشمن
		34. ضرورت پرهيز از افراط در حركت انقلابي، براي متهم نشدن به افراطي‌گري
		35. ضربه خوردن حركت انقلابي هم از «زياده‌روي» و هم از «سكوت»، بي‌تفاوتي و كناره‌گيري
		36. انحراف از حركت انقلابي و خروج از انقلابي‌گري، در صورت اهانت به مراجع و بزرگان حوزه
		37. ضرورت زنده نگهداشتن حادثه انقلاب و حقيقت انقلاب در ذهن‌ها و دل‌ها
		38. تلاش دشمن براي تغيير و انحراف رفتار ما از «رفتار انقلابي»
		39. ترويج گرايشها واحساسات انقلابي در حوزه
		40. پرهيز از افراطي‌گري در حركت انقلابي
		41. داراي مرزي شفاف ميان انقلابي‌گري و تندروي
		42. انقلابي بودن يعني تعهد به اسلام
		43. عدم وجود واژه انقلاب در آيات و روايات
		44. لزوم «حسّاس بودن» به احكام الهي و التزام به پياده شدن واجبات و ترك محرّمات
		45. تفاوت معناي انقلابي بودن در طول نهضت و انقلابي بودن پس از پيروزي انقلاب
		46. حضور همه اقشار با همه تفكرات در واژگوني نظام طاغوت
			1. مانند: كمونيست‌ها، مشركين، الهييون و مذاهب ديگر
		47. پيروزي انقلاب به معناي حاكم شدن نظام الهي اسلامي بر مبناي حضرت امام (ره)
			1. نظام اسلامي منطبق بر مبناي تدريس شده در نجف توسط امام (ره)
		48. انقلابي بودن امروز، به معناي حساس بودن در نگهداري و حفاظت از نظام حاكميت ولايت فقيه
			1. موضع‌گيري نسبت به صحبت‌هاي عليه نظام حاكميت ولايت فقيه
			2. كمك به فعاليت‌هاي در حال انجام به نفع نظام حاكميت ولايت فقيه
			3. غيرانقلابي بودن دستگاه‌هاي غيرحسّاس نسبت به انقلاب در حوزه
			4. مثال‌هاي برخورد انقلابي: با آقايان شريعتمداري، منتظري، صانعي و بجنوردي
			5. مثال‌هاي عدم برخورد انقلابي
			6. موضع‌گيري‌هاي آقاي احمدي‌نژاد در دور دوم رياست جمهوري
			7. صحبت‌هاي كنايه‌آميز آقايان: هاشمي، روحاني، خوئيني‌ها، ابراهيم اميني، بجنوردي
			8. تجمّلات و تشريفات مرقد امام (ره)
			9. مد شدن تشريفات و تزئينات در حوزه علميه
			10. تشريفات سالن اجتماعات آقاي ري‌شهري
			11. تشريفات سالن اجتماعات آقاي مكارم شيرازي
			12. خريداري خانه‌اي به قيمت يك ميليارد تومان در فردو، توسط يكي از مراجع
		49. حوزه انقلابي؛ حوزه معتقد به حاكميت دين
		50. معتقد به عدم جدايي دين از سياست
		51. معتقد به ضرورت پياده شدن احكام نوراني اسلام
		52. اعتقاد به انقلاب اسلامي به عنوان بهترين فرصت براي پياده شدن احكام اسلامي
		53. تعريف «مفهومي» انقلابي بودن به درد دين داشتن
		54. بي‌تفاوت نبودن نسبت به تهديدها، تهاجم‌ها، اصول و احكام اسلام، معارف الهي، حرام و حلال الهي
		55. تعريف «مصداقي» انقلابي بودن به ايستادگي بزرگان حوزه مقابل بدعت‌ها
		56. جمع‌آوري و بررسي مبارزه بزرگان حوزه، براي تعريف معناي «انقلابي بودن»
		57. نياز به نهادي پشتيبان براي انقلابي عمل كردن و انقلابي ماندن حوزه
		58. بر عهده بخش سياسي جامعه
		59. پخته كردن آراء و نظرات اعضاي جامعه و تنظيم بيانيه
		60. عدم وجود آن در شوراي عالي و مديريت، به دليل وحشت از سوء برداشت از عنوان سياسي
		61. امكان قرار دادن نام پوششي؛ مانند: معاونت آمار كه كار اطلاعاتي مي‌كند
		62. جهت دادن به فضاي انقلابي حوزه
		63. توجه به انقلابي بودن فضاي طلبه‌ها
		64. بيانيه به موقع جامعه، مانع پخش شب‌نامه‌ها
		65. مثال: ابراز نگراني‌ها از مسأله بدحجابي در قالب يك بيانيه
		66. همفكر و همگرا شدن فضاي عمومي حوزه با مديريت حوزه
		67. انتخاب راهبرد «انقلابي شدن» حوزه؛ از پايين به بالا يا از بالا به پايين
		68. راهبرد پايين به بالا: آغاز از طلاب انقلابي، تا انقلابي شدن مراجع
		69. راهبرد بالا به پايين: آغاز از مراجع انقلابي، تا انقلابي شدن طلاب
		70. توجه به اختلاف نظر درباره ورود به مسايل سياسي در لايه‌هاي حوزه
			1. وجود حداقل سه لايه در حوزه؛ مراجع عظام، اساتيد، طلاب و محصلين
			2. توجه به واقعيت «انقلابي نبودن حوزه» در حال حاضر
		71. شروع حركت انقلابي حوزه از پايين به بالا، پيش از انقلاب
		72. توجه به مخاطرات و آسيب‌هاي هر كدام از راهبردها
			1. هتك مقام مرجعيّت، در صورت اتخاذ راهبرد از پايين به بالا
			2. سوژه دادن دست دشمن، در صورت انتخاب راهبرد از بالا به پايين
		73. توجه به سرمايه‌هاي انقلابي حوزه
		74. موافقت همه مراجع مشهور با انقلاب و مخالفتشان با تضعيف آن
			1. آقايان: وحيد، علي و لطف‌ا…صافي، سيستاني، مكارم، سبحاني و نوري
		75. وجود مجمع عمومي متشكّل از 400 نفر از اساتيد
		76. وجود مديريت مقتدري در حوزه براي ساماندهي طلاب
		77. توجه به انقلابي بودن فضاي عمومي حوزه، علي‌رغم تلاش‌هاي فراوان دشمن
		78. اتخاذ همزمان هر دو راهبرد انقلابي حوزه؛ بالا به پايين و پايين به بالا
		79. توجه به ظرفيت‌هاي انقلابي فراوان موجود در حوزه
		80. مراجع، شوراي عالي، مديريت حوزه، مجمع عمومي و مدارس
		81. ناظر بودن فرمايش رهبري به احتمال انحراف حوزه در آينده، نه حال
		82. اتخاذ راهبرد «كار از پايين»، به دليل انقلابي بودن سطوح بالا
		83. نياز طلبه‌هاي جوان به آشنا شدن بيشتر با انقلاب
		84. كار جدّي براي شناسايي عناصر تهديدكننده انقلابي ماندن حوزه
		85. عدم كفايت اين جلسات براي حل مسأله
		86. تأمين هزينه‌ها، نيرو و امكانات لازم براي توليد راهكارها توسط يك كميسيون ويژه
		87. ضرورت وجود يك طرح پژوهشي داراي زمان‌بندي، براي رسيدن به نتيجه
		88. «روحيه انقلابي» مساوي با روحيه ايثار، فداكاري و شهادت‌طلبي
		89. غيرقابل تحمّل بودن ظلم و صدور كارهاي خلاف مقرّرات الهي و اخلاق كريم اسلامي به اسم انقلاب و انقلابي بودن
		90. تجربه گرفتن از سابقه روي كار آمدن انقلابي‌نماها و فراموش نكردن تاريخ خيانت آنان
		91. جلوگيري از تجزيه روحانيت انقلابي و اختلاف‌افكني‌ها ميان روحانيون
		92. توجه به خطر انقلابي‌تر از انقلابيون شدن روحانيون «حجتيّه‌اي»، در متهم كردم مسئولين نظام
		93. تفكيك‌ناپذيري ارزش‌هاي اسلامي از ارزش‌هاي انقلابي
		94. عدم امكان «انقلابي غيراسلامي» بودن يا «اسلامي غيرانقلابي» بودن
		95. عدم منافات منطق و برخورد منطقي با «انقلابي بودن»
		96. مساوي نبودن «انقلابي بودن» با پرخاشگري بي‌دليل
		97. «انقلابي بودن» به معناي حفظ قاطعانه و بدون رودربايستي مواضع اسلامي و انقلابي
		98. «انقلابي بودن» به معناي مرعوب و خام نشدن و فريب نخوردن از قدرت‌ها
		99. «انقلابي بودن» به معناي مواجهه شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌هاي بزرگ در صحنه سياسي
		100. ضرورت آشنايي نسل امروز با تاريخچه دويست‌سال اخير، براي انقلابي ماندن
		101. مساوق بودن «انقلابي بودن» با «اسلامي بودن» با توجه به هدف انقلاب
		102. وجود دو نوع انقلابي در ابتداي انقلاب؛ انقلابي مثبت و انقلابي منفي
		103. فرار از ميدان كار و تلاش و حركت و دوري از دردسر، شاخص انقلابيون منفي
		104. وجاهت‌طلبي و راحت‌خواهي و شعار «من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب كرده‌ام»، ويژگي‌هاي انقلابي منفي
		105. خرج كردن آبرو و حاضر بودن در ميادين خطر، شاخص انقلابيون مثبت
		106. منفي‌بافي و برخورد اپوزيسيوني از نشانه‌هاي انقلابي منفي
		107. خود را مسئول دانستن نسبت به انقلاب و وارد ميدان شدن، ويژگي انقلابي مثبت
		108. «روحيه انقلابي» به معناي اسير حدود تحميلي نشدن و با اميد به دنبال هدف حركت كردن
		109. بانشاط و باانگيزه بودن و براي رسيدن به اهداف انقلاب اصرار و پيگيري كردن، نشانه حركت انقلابي
		110. منافات داشتن ظلم به ديگران در گفتن حرف‌هاي نابه‌جا و غيرمنصفانه درباره آن‌ها، با «انقلابي بودن»
		111. «انقلابي بودن» به معناي بصير و بينا بودن و درك پيچيدگي‌هاي شرايط زمانه
		112. حضور در صحنه و سينه‌سپر كردن در مقابل دشمني‌ها، ويژگي روحانيت انقلابي و مسئول
		113. عدم تقابل «عقل‌گرايي» با ارزش‌هاي اسلامي و انقلابي
		114. انحراف بودن عدول از ارزش‌هاي اسلامي و انقلابي، به بهانه «عقل‌گرايي»
		115. «انقلابي بودن» به معناي غافل نشدن از خدعه و كيد دشمن و نقشه عميق او
		116. «انقلابي بودن»‌ به معناي تلاش براي برجسته كردن ارزش‌هاي انقلاب
		117. «انقلابي بودن» يعني حفظ و حراست از جهت‌گيري انقلابي در عمل، بيان، رفتار، تصميم‌گيري و مقرّرات و قوانين
		118. «انقلابي بودن»‌ به معناي فدا نكردن حركت انقلابي به پاي حمايت از نزديكان و منتسبان
		119. گسترش تفكر و روحيه انقلابي
		120. با تكيه بر رابطه قلبي و معنوي طلاب و مدرّسين
		121. نادرستي حذف اخلاق و نصيحت و تهذيب و احكام از منابر، به بهانه پرداختن به مسائل انقلابي و سياسي
		122. پايبندي به اسلام ناب
		123. روزآمدي در فرهنگ اسلامي
		124. تعيين معيار تشخيص خوب يا بدي رفتار اخلاقي از رفتار غير اخلاقي
		125. عهده‌دار رسالت هدايت و رهبري انقلاب اسلامي
		126. شناخت دوست و دشمن نهضت اسلامي و تولّي و تبرّي نسبت به هر يك
		127. تلاش براي پر كردن شكاف بين حوزه‌هاي علميه و حكومت اسلامي
		128. بي‌تفاوت نبودن حوزه در مسائل داخلي
		129. مانند: انجام منكرات، حتي در محدوده ادارات، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و هيئت دولت
		130. موضع‌گيري حوزه در هر مقطعي متناسب با آن مقطع
		131. نه صرفاً موضع مخالفت، كه گاهي موافقت و تشويق
		132. به شيوه‌هاي مختلف؛ مانند: دادن نامه به رياست جمهوري، يا نشر در فضاي عمومي
		133. دفاع از مباني امام (ره) در انقلاب و تشكيل حكومت
		134. متروك، محجور و نسياً منسياً ماندن مباني فقهي امام (ره) در انقلاب
		135. انتشار چند مقدمه بحث ولايت فقيه امام (ره) در نجف به صورت مكتوب
		136. نشر مباني امام (ره) در نشريه ويژه تبليغ جامعه مدرسين
		137. حكومت كردن تفكرات ضدانقلاب، ضدسياست و ضداسلام در حوزه‌ها؛ پنهان و غيرپنهان
		138. تدريس مباني ولايت فقيه امام (ره) به صورت رسمي در حوزه
		139. رصد شبهات و پاسخ دادن به القائات شبهه‌افكن عليه انقلاب در حوزه
		140. وجود دو منشأ براي القائات؛ دگرانديشان و ولايتيّون
		141. مثال: طرح شبهه نفي هر قيامي پيش از ظهور به استناد روايات
		142. مثال: طرح شبهات عليه انقلاب در حرف‌هاي كديور و گروه شيرازي
		143. كوتاهي نيروهاي انقلابي در پاسخ دادن به شبهات
			1. به دليل صرف وقت خود براي چنگ انداختن به صورت يكديگر
			2. غفلت از تهديد جدّي در فضاي فكري براي روحانيت
		144. تهديد بودن اختلاف و موضع‌گيري‌هاي زيربنايي و اصولي براي انقلاب
		145. طرح آزادانه نظرات اجتهادي و فقهي در زمينه‌هاي مختلف ولو مخالف با يكديگر؛ اقتضاي طبيعت انقلاب
		146. توجه به سابقه پشتيباني دسته‌اي از روحانيون مقدّس‌مآب و دين‌فروش از براندازي نظام و كودتا
		147. توجه به سابقه تهمت وهّابي زدن دسته‌از روحانيون مقدّس‌مآب به روحانيون مبارز و زندان و تبعيد كشيده
		148. مساوي بودن «انقلاب» با «ايمان»، «اعتقاد» و «دين»
		149. هدف از انقلاب؛ رسيدگي به وضع مظلومين و عمل به فرايض، احكام و سنن الهي
		150. امري مستمر و دائمي بودن انقلاب، به معناي سازندگي، رويش و بالندگي
		151. عدم امكان رويش و بالندگي بدون انضباط، قانون و نظم
		152. روي دادن بي‌نظمي‌هاي اول انقلاب به دليل ضرورت به‌هم‌ريختن بناهاي غلط، كج و پوسيده گذشته
		153. تمثيل «برگشتن از راه انقلاب» به «شكستن روزه پيش از غروب»، مانند كسي كه از ابتدا روزه نگرفته
		154. چهار برداشت مختلف از حوزه انقلابي
		155. حوزه مستند به انقلاب اسلامي به مثابه نهادي ذيل نظام اسلامي و مدافع انقلاب اسلامي
			1. حوزه غيرمستقل و حكومتي
		156. انقلابي به مثابه صفت براي دانش حوزه علميه
			1. موجب تحول و روزآمدي و نظام‌وارگي دانش‌هاي حوزوي
		157. انقلابي به مثابه صفتي براي ساختار حوزه
			1. چابكي ساختار حوزه براي تأمين غايات انقلاب در زمان كمتر
		158. به لحاظ اتصاف طلاب و اساتيد حوزه علميه به انقلاب
			1. رفتارهاي سلبي و ايجابي در تقابل با نظام سلطه و حمايت از نظام اسلامي و پرداخت هزينه‌هاي مالي بدني و فكري در قبال اين رفتارها
			2. پشتيباني حوزويان از انقلاب اسلامي
		159. تعريف نهايي
			1. تحوّل‌خواهي و دغدغه‌مندي نسبت به انقلاب اسلامي ايران
		160. شاخص‌هاي حوزه انقلابي
		161. معتقد به اسلام سياسي و نظام مبتني بر ولايت فقيه
		162. حمايت از نظام جمهوري اسلامي
		163. استكبارستيزي
		164. مردمي بودن حوزه انقلابي
		165. استقلال از دولت و مردمي بودن
		166. برخورداري از شخصيت‌هاي برجسته انقلابي و محبوب ميان مردم
		167. وجه جامع تعاريف از منظر مقام معظم رهبري
		168. برخوردار از اعتقاد و آگاهي نسبت به
			1. مباني انقلاب اسلامي
			2. اصول انقلاب اسلامي
			3. آرمان‌هاي انقلاب اسلامي
			4. ارزش‌هاي انقلاب اسلامي
		169. التزام در عرصه اقدام به تناسب شرايط با
			1. بيشترين شور
			2. بيشترين انرژي
			3. بيشترين روحيه مقاومت
		170. عمل انقلابي براي
			1. تبيين انقلاب اسلامي
			2. دفاع از انقلاب اسلامي
			3. جانفشاني در راه انقلاب اسلامي
		171. تجلّي توحيد ناب
		172. توحيدمحوري و توحيدگستري به عنوان جوهره و روح حوزه انقلابي با همه ابعادش
		173. توحيد محصور نمانده در زاويه‌اي خاص و داراي پيام و طرح براي همه شئون دنيوي و اخروي انسان
		174. از نظر امام ره
		175. ساده‌زيستي و نفي اشرافيت
		176. عدم وابستگي به قدرت‌هاي بزرگ و داشتن روحيه استقلال‌طلبي
		177. مردمي بودن و جدانشدن از مردم و بطن جامعه
		178. اتكال به خدا
		179. حفظ وحدت به عنوان رمز پيروزي
		180. اعتماد به نفس و نفي خودباختگي
		181. قطع ايادي اجانب راست و چپ از سر كشور
		182. اركان مفهوم حوزه انقلابي
		183. آرمان‌گرايي اسلامي
			1. جذب نشدن در تئوري‌هاي موجود اداره‌كننده دنيا
		184. برنامه‌ريزي
			1. اقدام براي نزديك شدن به تحقق آرمان‌ها
		185. روحيه انتقادگرايي و اصلاح‌گري
			1. حساسيت نسبت به دوري از مسير آرمان‌ها
		186. وجود دو تعريف براي انقلاب؛ بمعني‌الأعم و بمعني‌الأخص
		187. انقلابي بودن بمعني‌الأعم، به معناي حرام دانستن تضعيف نظام و واجب دانستن تقويت نظام
		188. گرايشي عمومي بودن انقلابي بمعني‌الأعم و كافي نبودن اين گرايش عمومي براي حوزه
		189. فقدان شور و هيجان انقلابي سال‌هاي نخست در حوزه علميه
		190. عدم حساسيّت حوزه نسبت به گفتارها و رفتارهاي غيراسلامي مسئولين
		191. ذومراتب بودن مفهوم «انقلابي»
		192. قدرت ريسك و خطر كردن، از ويژگي‌هاي اصلي انقلابي بودن
		193. فداكردن مصالح فردي و گروهي براي انقلاب
		194. كليدواژه‌هاي مرتبط
		195. تحوّل‌خواه
		196. زمان‌شناس
		197. مصلح
		198. تلاشگر
		199. همه‌جانبه‌نگر
		200. مدافع دين و دين‌داران
		201. مهذّب
		202. اهل معنا و معنويت
		203. اخلاق‌مدار
	2. هدايتگر سياسي
		1. ارائه‌دهنده نظام اجتماعي، اقتصادي و سياسي اسلامي
		2. به دور از سياست‌زدگي
		3. پذيرش انعطاف و نرمش در سياست براي حل مشكلات و باز كردن گره‌هاي سياسي
		4. پرهيز از جانبداري و هواداري يك جريان براي قطع نشدن ارتباط با توده مردم
		5. طلب مشاركت و همكاري براي پرهيز از خودكامگي و انحصار قدرت
		6. عوامل سياست‌زدگي حوزويان
			1. تحليل‌هاي تقليدي به دليل نفوذ در حوزه و فريب طلاب از سوي سودجويان سياسي
			2. انحصارطلبي و خودحق‌مطلق‌پنداري برخي از روحانيون
			3. افراط و تفريط و دوري از اعتدال در سياست‌ورزي
			4. خودسري، تخطي از قانون و زير پا گذاردن آن در رفتارهاي سياسي
		7. راه‌هاي برون‌رفت حوزه از سياست‌زدگي
			1. آگاهي‌بخشي علمي و دعوت به تدبير در تصميم‌گيري‌هاي سياسي
			2. ترويج صبر و شكيبايي در تحمّل ديگران و تلاش براي حل مسائل با گفتگو
			3. تقويت عدالت و عقلانيت براي حاكم شدن اعتدال بر تصميمات و رفتارهاي سياسي
			4. ارتقاي روحيه اجتهاد و آزادانديشي و تبعيت از برهان براي مدارا با مخالفان فكري
		8. اولويت داشتن تحول اجتماعي و سياسي جامعه
		9. محكوم‌كننده رفتارهاي خودسرانه از سوي تمامي جناح‌ها
		10. با مراعات اخلاق و ادب
		11. ورود فقهي به عرصه سياست و مباني ولايت فقيه
		12. وجود مشكل عدم معرفت به سياست اسلام و عدم معرفت به ولايت
		13. آسيب بسيار مهم به انقلابي ماندن حوزه، در صورت عدم ورود سياست اسلام به فقه
		14. توجه به فتواي امام (ره) در عدم انفكاك سياست از دين
			1. تحريرالوسيله، مسأله نهم، صلاة جمعه: فمن توهّم أنّ الدين منفكٌ عن السياسة هو جاهلٌ
		15. عمل صحيح و به هنگام در سه ميدان فهم، تفاهم و موضع‌گيري
		16. توسعه فهم ازدين
			1. تحوّل علمي حوزه
			2. بدون پشت پا زدن به گذشته علمي حوزه
		17. توسعه در تفاهم
			1. درون حوزه
			2. حوزه سنّتي
				1. ميراث‌دار دانش حوزه
				2. پاسخگو دانستن اين دانش
				3. منضبط در استناد به دين
			3. حوزه روشنفكر
				1. نوگرا
				2. در معرض دانش‌ها و مسائل جديد
				3. همراه شده با جريان مدرنيته و پست‌مدرنيته
			4. حوزه روشنفكر متعبّد
				1. حوزوي انقلابي
				2. اهل تفاهم با دو گروه ديگر
				3. قدرت بر اقناع و عدم طرد
			5. بيرون حوزه
			6. جريان انقلابي
			7. جريان غيرانقلابي
			8. جريان ضد انقلابي
		18. اهل موضع‌گيري به موقع
			1. مسئوليت‌پذيري نسبت به جامعه و حاكميت
		19. فعال‌سازي فقه سياسي
		20. ارائه تكاليف و وظايف دولت و نهادهاي حكومتي
		21. ارائه تكاليف و وظايف شهروندان و نهادهاي مدني
		22. ارائه تكاليف و وظايف متقابل دولت و شهروندان
		23. ارائه تكاليف و وظايف متقابل دولت‌ها با يكديگر
		24. تبيين الگو و مدلي براي حفظ اقتدار مدني روحانيت همراه با بي‌تفاوت نماندن نسبت به حكومت ديني
		25. حضور مسئولانه در سياست و دولت، بدون ورود به نزاع قدرت‌طلبي و سهميه‌بندي سياسي
		26. باز نماندن از شناخت اسلام و تبيين آن به عنوان مهم‌ترين رسالت نهاد روحانيت بدون ملاحظه قدرت سياسي
		27. تقواي ديني و سياسي
		28. ضرورت بررسي تذكّرات سياسي رهبري در معاونت سياسي، معاونت جامعه و نظام
		29. طرح و بررسي مسائل در معاونت مربوطه و ارسال گزارش به شوراي عالي جامعه
		30. تصميم‌گيري در شوراي عالي جامعه، بر اساس گزارش معاونت
		31. بصيرت‌افزايي طلاب، براي آشنايي بيشتر با مسائل اجتماعي و سياسي
		32. امكان جداسازي طلبه‌ها توسط جريان‌هاي مختلف، در صورت ناآگاهي سياسي طلاب
		33. رفع شبهات طرح‌شده نسبت به مباني فكري نظام، خصوصاً در فضاهاي مجازي
		34. پرهيز از چنددستگي و اختلاف در مواضع سياسي اساتيد و بزرگان حوزه
		35. فاصله گرفتن طلاب از مدرسين، به دليل بي‌اعتمادي ناشي از اختلافات سياسي ميان آنان
		36. تلاش براي همگرايي جريان‌هاي سياسي حوزه، توسط جامعه مدرسين
		37. توجه به تفرقه‌افكني دشمن بين مجموعه نيروهاي انقلابي حوزه
		38. مقابله با شبهه «سياسي» بودن دليل دفاع حوزه از انقلاب
		39. به دست دشمن دادن سوژه «دفاع سياسي» از سوي دوستان انقلاب در حوزه
		40. سوژه دادن به دشمن با رفتارهاي دوگانه نسبت به منكرات
			1. موضع‌گيري شديد نسبت به نوشته يك روزنامه
			2. عدم موضع‌گيري نسبت به نوشته‌اي مشابه در روزنامه‌اي ديگر
		41. برحذر بودن و به خدا پناه بردم از شرّ حبّ‌ نفس در هنگام موضع‌گيري‌هاي سياسي
		42. «انقلابي بودن» به معناي تحمّل سليقه‌هاي سياسي مخالف با مذاق سياسي ما و رفتار عادلانه با آن
		43. نظريه شهيد مطهري
		44. عدم ورود روحانيت به دولت و نظام اجرايي
		45. تشكيل دايره امر به معروف و نهي از منكر متشكل از روحانيون
		46. نظارت دايره امر به معروف بر عملكرد دولت
		47. حضور در زمينه‌هاي
		48. قضايي
		49. سياسي
		50. روابط بين‌المللي
		51. مسائل اقتصادي و پولي كشور
	3. استكبارستيزي
		1. پايبندي و تلاش براي استقلال كشور
		2. اقتصادي
		3. سياسي
		4. فرهنگي
		5. ايجادكننده چالش در برابر استكبار جهاني و اسلام آمريكايي
		6. غرب‌گزيني انتقادي
		7. قبول نداشتن استعمار غرب
		8. قائل به استفاده از پيشرفت‌هاي علوم غربي
		9. در مقابل
			1. غرب‌گرايي
			2. غرب‌ستيزي
			3. غرب‌گريزي
		10. آشتي‌ناپذير با جهان‌خواران
		11. حساسيت در برابر دشمن و شناخت نقشه‌ها و عدم تبعيت از آن
		12. عدم نگراني از فعاليت‌هاي ضدانقلاب؛ به دليل قابل توجه نبودن فعاليت دشمن در حوزه
		13. صرفاً وجود عده محدودي «بي‌تفاوت نسبت به مسائل سياسي» در حوزه
		14. «انقلابي بودن» به معناي افزايش فاصله با دشمن
		15. كينه‌ورزي دشمن و عناد با حاكميت فضاي انقلابي بر كشور
		16. توجه به واقعيت صرف هزينه ازسوي استكبار جهاني براي انحراف طلاب و فضلا و علما از راه راست انقلاب
		17. عدم امكان روبه‌رو شدن استكبار با انقلاب، در صورت حضور علما در صحنه‌هاي انقلابي و سياسي
		18. تلاش دشمن براي منزوي كردن روحاني انقلابي
		19. تلاش دشمن براي بي‌تفاوت بار آوردن جوانان نسبت به انقلاب
		20. تلاش دشمن براي نابود كردن روحيه حماسه و انقلابي‌گري در جوانان
		21. حاكم شدن روحاني‌نماهاي تقويّت شده تا حدّ مرجعيّت توسط ايادي استكبار، در صورت اختلاف مدرسين و طلاب
		22. توجه به حفظ اصول اسلام و حفظ كينه انقلابي عليه سرمايه‌داري غرب، در هنگام موضع‌گيري
		23. زير بار سرمايه‌داران، پول‌پرستان و خوانين نرفتن روحانيت اصيل طرفدار اسلام
		24. مراقبت نسبت به خطر روحانيون وابسته، مقدّس‌نما و تحجّرگرا در حوزه‌هاي علميه، به عنوان مروّج اسلام آمريكايي
		25. «انقلابي بودن» به معناي فرياد كشيدن سر آمريكا و قدرت‌هاي مزاحم اداره نظام
		26. «انقلابي بودن» به معناي ايستادگي در مقابل دشمنان و بدگويان و طعنه‌زنان به انقلاب
		27. از دست دادن پشتوانه عظيم معنوي درون كشور و ملّت، در صورت اعتماد به دشمن و كوتاه آمدن در مقابل او
		28. ساده‌زيستي مسئولان، استكبارستيزي و افتخار به انقلابي‌گري، از جمله ارزش‌هاي انقلاب
		29. پرهيز از ساده‌انديشي در اين‌كه استعمار، روحانيت را تعقيب نكرده و نمي‌كند
		30. القاي شعار جدايي دين از سياست؛ حربه استكبار براي ضربه زدن به روحانيت
	4. ايجاد زمينه رشد نيروهاي انقلابي
		1. مدرّس انقلابي
		2. طلاب انقلابي
		3. عمل فراگير؛ هم مراجع و هم طلاب، در حركت انقلابي
		4. رعايت حرمت عالمان و مراجع تقليد
		5. مراعات شئون سلسله‌مراتب حوزوي
		6. رعايت اخلاق در مواجهه با هم‌صنف
		7. تربيت نيروي انساني تراز انقلاب اسلامي
		8. بازخواني و تكامل نظام آموزشي و پژوهشي حوزه
		9. حفظ اتحاد و يكپارچگي طلاب و روحانيون انقلابي؛ اولين وظيفه شرعي و الهي
		10. توجه به خطر باز شدن راه دشمن به حوزه‌ها، در صورت مرزبندي ميان نيروهاي مؤمن به انقلاب
		11. از خود دانستن طلاب انقلابي توسط جامعه مدرسين و برگزاري جلسه با آن‌ها و استقبال از طرح‌ها و نظريات ايشان
		12. احترام گذاشتن به مدرسين طرفدار انقلاب از سوي طلاب انقلابي
		13. پرهيز از حركت تند و انقلابي در حوزه‌ها و تلاش براي شناخت بهتر خطرات و كمينگاه‌هاي روحانيت
		14. توجه شوراي مديريت و اساتيد حوزه به نقش طلاب انقلابي در رساندن حوزه به اهداف آن
		15. اشتباه در معنا كردن «انقلابي بودن» به فرياد و اعتراض سر مسئولان
		16. منافات نداشتن «انقلابي بودن» و حضور سياسي، با مشغول بودن به درس در حوزه
		17. «بي‌تفاوتي نسبت به انقلاب» يعني عدم تأثير انقلاب در فعاليت‌هاي جاري حوزه
		18. «حزب‌اللهي بودن» به معناي آمادگي براي انجام تكليف الهي، بمثابه ارزشي انقلابي
		19. مرجّح بودن افراد واجد روحيه حزب‌اللهي نسبت به سايرين، در همه سطوح نظام اسلامي
		20. وجود نداشتن «نوبت من تمام شد» در اسلام و انقلابي بودن
		21. كم كردن فاصله ميان برادران معتقد به ارزش‌هاي انقلابي، به معناي «انقلابي بودن»
		22. انضباط انقلابي؛ برترين و قويترين انضباط
		23. نياز به داشتن «هويّت انقلابي» براي ماندن در مسير انقلاب
		24. نياز داشتن «انقلابي بودن» به عزم، ايمان و ثبات قدم
		25. تعريف «روح انقلابي» به روح حركت به جلو، روح پيشرفت، روح ابتكار و نوآوري
		26. «انقلابي ماندن»‌ به معناي پيروز برآمدن از فتنه و نجات دادن خويش از آن
		27. فروافتادن انقلابيون به فتنه و باطل كردن گذشته خود با بي‌بصيرتي، نشناختن فضا و تشخيص ندادن حق و باطل
		28. «انقلابي بودن» به معناي منصف و عادل بودن و ملاحظه كردن طهارت دل و عمل
		29. ضرورت رفتار منطقي و عقلائي براي «انقلابي بودن»
		30. اهل فعاليت و عمل بودن «طلبه انقلابي» و اهل تسويف نبودن و كار امروز را به فردا نيانداختن
		31. ضرر كردن و منحرف شدن از خط امام (ره) در صورت زيرپا گذاشتن «اخلاق» به نام «انقلابي بودن»
		32. انحراف از خط امام (ره) در صورت اهانت به برادر معتقد به اصل نظام، به نام انقلابي‌گري و عدالت‌خواهي
		33. «بصيرت انقلابي» به معناي تعهّد و پايبندي ديني
		34. «انقلابي بودن» يعني احياء تفكر انقلابي در ذهن‌ها
		35. استفاده از توانمندي مجمع نمايندگان طلاب براي ارتباط با لايه‌هاي دروني حوزه
		36. داشتن يك سازماندهي عظيم معنوي در مجمع نمايندگان طلاب
		37. استفاده از توانايي مجمع نمايندگان طلاب در اثرگذاري بر ذهن و روح طلاب
		38. گسترش برنامه‌ريزي شده ارتباط منظم و محتوايي با بدنه حوزه
		39. تشكيل گروه‌هاي فكري
		40. براي دستيابي به راه‌هاي صحيح ترويج تفكرات انقلابي
		41. انتقال افكار خوب و درست به طلاب
		42. شناسايي و رشد طلاب مستعدّ و با اخلاص
		43. شناسايي و حل مشكلات و شبهات ذهني طلاب
		44. تداوم و تقويت مجمع نمايندگان طلاب
		45. از لحاظ قانوني و جايگاهي
		46. از لحاظ دروني و محتوايي
		47. جدّي گرفته شدن مجمع نمايندگان طلاب از سوي شوراي عالي
		48. تربيت صدها مدرّس موفّق و انقلابي
		49. نادرست بودن شروع حركت انقلابي در حوزه از پايين به بالا
		50. اشتباه بودن در عمل انجام‌شده قرار دادن بزرگان حوزه، در حركت انقلابي
		51. غيرممكن و غيرجايز بودن آغاز تحوّل انقلابي حوزه از سطوح پايين
		52. نادرستي آغاز حركت انقلابي حوزه بدون هماهنگي سطوح پايين و سطوح بالاي حوزه با يكديگر
		53. توجه به توصيه امام (ره) مبني بر توجه فضلا و مدرّسان به نظر طلاب جوان انقلابي مؤمن
		54. توجه به توصيه امام (ره) به طلاب انقلابي مبني بر جذب شدن به جامعه مدرسين حوزه
		55. اشتباه بودن متهم كردن مراجع و بزرگان حوزه و اعتراض و پرخاش، به نام حركت انقلابي
		56. تشويق طلاب به سمت هدف‌هاي انقلابي و اسلامي توسط مدرّسان و اساتيد حوزه
		57. توجه به وجود شيفتگان اسلام آمريكايي، دوركنندگان روحانيت از مسير خود، در حوزه‌ها و در كسوت روحانيت
		58. ضرورت حضور طلبه‌هاي جوان مؤمن و فعّال و فضلاي جوان در سمت هدف‌هاي انقلاب، در همه جبهه‌ها
		59. ناپسند بودن وجود افراد بي‌تفاوت نسبت به انقلاب در حوزه
		60. پايين بودن ارزش افراد فاقد حساسيّت نسبت به دفاع از نظام اسلامي
		61. جوسازي نكردن برادران انقلابي و فعاليت نكردن آنان عليه يكديگر
		62. افزايش معنويت و تقرّب به خدا، با اهتمام به اعمال عبادي، براي محكم كردن بنيه ديني و انقلابي
		63. تشويق جوانان به داشتن روحيه انقلابي‌گري، براي دفاع از كشور و مأيوس كردن دشمن
		64. گرامي داشتن و نگهداشتن نيروهاي انقلابي و حزب‌اللهي؛ يكي از كارهاي انقلابي
		65. توجه به متفاوت بودن شيوه‌هاي حمايت مراجع از انقلاب
		66. حمايت آقاي وحيد از انقلاب به صورت خصوصي و در جلسات غيرعمومي
		67. ضرورت توجه به هدايت انقلابي طلبه‌هاي مدارس براي پرهيز از افراط و تفريط
		68. وجود بعضي از طلبه‌هاي «بي‌تفاوت» متأثر از فضاي خارج از حوزه
		69. توجه به مخاطرات ناشي از وجود طلبه‌هاي بسيار تند و كنترل نشده انقلابي در آينده حوزه
			1. وجود جريان‌هاي پرورش‌دهنده طلاب تندرو در برخي از مدارس، به عنوان پياده‌نظام خود
			2. خطر كنترل شدن اين جريان‌ها از خارج حوزه، براي آسيب زدن تحت عنوان انقلابي‌گري
		70. تأسيس يك ستاد قوي و متعادل در حوزه، براي طرح مسائل انقلاب در سطوح مختلف
		71. اتخاذ تصميماتي مبتني بر شناخت جامعه، براي پرهيز از اثرات منفي
			1. لحاظ ادبيات خاصّ در زمان خاصّ، براي مفيد بودن تصميم به جاي مضرّ بودن
		72. هماهنگ‌سازي موضع‌گيري‌هاي متناقض موجود ميان افراد انقلابي حوزه
		73. طراحي درس «آشنايي با تاريخ انقلاب» در تمام پايه‌هاي ده‌گانه حوزه
		74. آشنا و مطلع نبودن بسياري از طلاب و حتي اساتيد نسبت به وضعيت پيش از انقلاب
		75. سياست‌گذاري و هدفگذاري مناسب اين دوره درسي
		76. ارائه درس «ولايت فقيه» در سطوح مختلف آموزش حوزه، متناسب با شرايط فعلي
		77. عدم پيدايش تلقّي نادرست از ولايت فقيه
		78. ترويج فرهنگ خدمت به ارباب رجوع در مركز مديريت حوزه
		79. لطمه خوردن انقلاب در صورت پشت‌هم‌اندازي كار طلاب مراجعه‌كننده به مركز
		80. بزرگ نكردن اساتيد تجمّل‌گرا در حوزه
		81. ضربه خوردن حوزه از تجمّل يا بدحجابي خانواده اساتيد
		82. برگزاري جلسات عمومي به مناسبت‌هاي مختلف در حوزه، براي تبيين مسائل انقلاب و ولايت فقيه
		83. توجه به خلأ ناشي از فقدان اساتيد اخلاق برجسته در حوزه
		84. حضور بيشتر درس اخلاق در گذشته حوزه
			1. درس اخلاق آقايان: بهاءالديني، محسن قمّي و مشكيني
		85. از دست رفتن ارتباط صميمي ميان طلاب و اساتيد
		86. توجه به آسيب‌هاي ناشي از دور شدن بزرگان حوزه از ساده‌زيستي
		87. بالا رفتن انتظارات مادي و دنيوي طلاب، با مشاهده تشريفات و تجمّلات
		88. تبديل شدن انگيزه‌هاي ورود به حوزه، از خدمت به شغل‌يابي
		89. توجه بيشتر اساتيد به وضع زندگي شخصي خود، براي افزايش نفوذ كلام در طلاب
		90. بيان مسائل اخلاقي در درس‌هاي حوزه
		91. اصلاح وضعيت حوزه از نظر سبك مديريتي
		92. توجه به مشكلات معيشتي طلاب
		93. افزايش سطح رفاه عمومي جامعه و عدم تناسب شهريه طلاب با اين سطح عمومي
		94. فاصله گرفتن طلاب از مدرسين حوزه، به دليل بي‌اعتمادي ناشي از فاصله طبقاتي
		95. رسيدگي كامل به مشكلات زندگي و اقتصادي طلاب
		96. اهتمام به برنامه تزكيه و تعليم طلاب به صورت مستمر و علي‌الدوام در دوره تحصيل
		97. افزايش دقت در گزينش طلاب
		98. توجه به سوابق خانوادگي افراد، به عنوان «بيوتات صالحه» مورد اشاره حضرت امير(ع)
		99. توجه به سوابق شخصي افراد
		100. بررسي انگيزه‌هاي اشخاص از تحصيل در حوزه
		101. كنترل و اصلاح گروه‌هاي مرجع مورد توجه طلاب به عنوان ملاك و ميزان انقلابي بودن
		102. دچار شدن اين افراد به سطحي‌نگري و دفاع احساسي و غيرعقلاني از انقلاب
		103. فراري شدن اهل فكر و اهل انديشه از انقلاب، با مشاهده سطحي‌نگري اين گروه‌هاي مرجع
		104. تلاش براي دفاع معقول از انقلاب، به جاي سطحي‌نگري
		105. افزايش مسئوليت طبقه روحاني نسبت به پيش از انقلاب، با توجه به ضرورت حفظ مكتب
		106. نداشتن عذر موجّه طلاب در صورت نپذيرفتن مسئوليت‌هاي حكومت اسلامي به بهانه درس و بحث
		107. صحبت با اساتيد حوزه و ترغيب ايشان براي تدريس مباحث حضرت امام (ره)
		108. از طريق تشكّل اساتيد و بدون تحميل
		109. همراهي درس حوزه با زهد، تقوا و رياضت و زندگي روحانيون به شيوه زاهدانه، قناعت و عدم تعلّق به تجمّلات دنيا
		110. هشدار به طلاب براي نيافتادن به دام القائات روحاني‌نماها و مقدّس‌مآب‌ها
		111. بازگشت اختلافات به تفاوت سليقه‌ها و عدم وجود اختلاف بر سر اصول ميان مدرسين و طلاب انقلابي
		112. آسيب‌پذير بودن طلاب انقلابي و مدرسين طرفدار انقلاب، در صورت هماهنگ نبودن با هم در فعاليت‌هاي انقلابي
		113. ضرورت ياري اساتيد انقلابي حوزه توسط طلاب جوان، براي دستيابي به اهداف مهم تعليم و تربيت
		114. ترويج تقوا و رياضت شرعي؛ تنها راه مبارزه با حبّ نفس
		115. پرهيز از تصوّر نادرست «بي‌سواد» بودن همه جوانان حزب‌اللهي و صرفاً پرسروصدا و پرهياهو بودن آنان
		116. طلبه انقلابي در نگاه مقام معظم رهبري
		117. احساس مسئوليت نسبت به مسائل انقلاب
		118. داراي مسئوليت در زمينه تحقق آرمان‌هاي اسلام
		119. داراي مسئوليت در زمينه تحقق آرمان‌هاي انقلاب
		120. مسئوليت‌پذير در عرصه‌هاي گوناگون
		121. سبقت‌گيرنده از يكديگر براي رسيدن به قله‌هاي پيشرفت و تعالي
		122. مقوله‌بندي سخنان رهبري
			1. طلبه جوان
			2. فكر
				1. دانش‌اندوز
				2. خودشناس
				3. محيط‌شناس
				4. هوشمند
				5. بصير
				6. هدفمند
			3. احساس
				1. اميدوار
				2. پرانگيزه
			4. عمل
				1. فعال
				2. سالم
				3. اجتماعي
				4. خوش‌گفتار
				5. ميانه‌رو
				6. آماده
				7. شجاع
				8. خوش‌اخلاق
			5. طلبه مؤمن
			6. اعتقاد
				1. انديشه‌ورز
				2. عاقل
				3. موحد
				4. پيرو امامان معصوم
			7. اخلاق
				1. قاري قرآن
				2. مؤمن صالح
				3. متقي
				4. دل پاك
				5. معنوي
				6. مهذّب
				7. ذاكر
				8. مخلص
				9. متخلق
			8. احكام
				1. متعبد
				2. تعظيم كننده شعائر ديني
				3. نمازخوان
				4. آمر به معروف و ناهي از منكر
			9. طلبه انقلابي
			10. باور انقلابي
				1. ولي شناس
				2. انقلاب شناس
				3. دشمن شناس
			11. ارزش انقلابي
				1. هويّت ملي و اسلامي و انقلابي
				2. دروني سازي ارزش‌هاي انقلاب
			12. رفتار انقلابي
				1. دروني سازي رفتارهاي انقلابي
				2. فعال سياسي
				3. مسئوليت پذير
				4. ميدان دار
				5. مبارز
				6. وحدت‌گرا
	5. واسطه شدن طلاب بين امت و امام در جامعه انقلابي
		1. دفاع از حقوق مردم در برابر حاكمان
		2. ساده‌زيستي حوزويان
		3. استفاده از عبارت «حوزه و روحانيت» به جاي حوزه
		4. طلاب
		5. اساتيد
		6. مراجع معظّم
		7. هويّت جمعي نهاد روحانيت
		8. ارتباط هوشمندانه و فعال با عناصر درون حوزه و بيرون از حوزه
		9. تربيت نيروي انساني متناسب با نيازها
		10. ارتباط قانونمند و منظّم بين سامانه اداره جامعه با حوزه
		11. متناظر با نهاد امامت
		12. توجه به تفاوت نهاد با سازمان
			1. استخدام نشدن
			2. بدون ساعت كاري معيّن
			3. بدون بازنشستگي
			4. وجود هنجار مشترك
			5. بي‌نياز از ابلاغ برنامه و حكم رسمي براي انجام وظايف
			6. آرمان مشترك عامل پيوند و مسئوليت‌پذيري
		13. داراي منطق تحوّل‌آفرين و تحوّل‌خواه
		14. به دنبال ايجاد بديل‌ها و جايگزين‌هاي زيستن
		15. به دنبال تغيير
		16. داراي فقاهت و فقهي به عنوان ابزار، نظريه، نظام‌ها و سازوكارهاي تحقق‌پذيرفتن تغيير
		17. رابط زميني‌شدن و زماني‌شدن و انساني‌شدن جريان فقه و فقاهت
		18. توليد فقه اقتصاد و فقه سياست و فقه تربيت و فقه روابط بين‌الملل و فقه جنگ و جهاد و فقه صلح و فقه ارتباطات جهاني
		19. ارتباط مناسب با مردم در دو سطح فرهنگ عمومي و تخصصي
		20. نقدپذير و پاسخگو نسبت به منتقدان دلسوز و تحمّل خرده‌گيري‌ها و بهانه‌جويي‌ها و حتي عقده‌گشايي‌ها
		21. قادر به خودنقادي و تلاش براي اصلاح وضعيت خود
		22. توجه به مردم و تلاش براي آگاهي‌بخشي به جامعه
		23. روحيه حل مشكلات اقتصادي و معيشتي مردم با نظارت بر تحقق اقتصاد اسلامي
		24. ترويج مشاركت سياسي رقابتي با حمايت از مشاركت سياسي مردم
		25. ضرورت پرداختن علم فقه به نيازهاي عملي مردم به احكام جديد، به مناسبت انقلاب اسلامي
		26. تغيير فرهنگ «ارزش بودن حماقت روحاني» در معاشرت با مردم و «ضد ارزش بودن روحاني سياسي»
		27. پيدايش نگراني در مردم در صورت سرگرم شدن روحانيت به مسائل شخصي و دنيا و بي‌رغبتي به مسائل انقلابي
		28. توجه به اولويت داشتن رضاي الهي و مصلحت مردم در ورود به مسائل سياسي
		29. فقرستيزي
		30. ترجيح ارتباط با محرومان بر معاشرت با مرفهين
		31. روح ولايي و ارتباط وثيق با اهل بيت ع
		32. برخورداري از روح حماسي و جهادي و تلاش خالصانه و مجاهدانه
		33. وحدت‌گرا و وحدت‌آفرين
		34. جذب انسان‌هاي با هر كيش و مذهب به انقلاب اسلامي و انديشه توحيدي آن
		35. از بين بردن بي‌تفاوتي بخشي از فضاي حوزه نسبت به مسائل حكومت، داخل و خارج
		36. افزايش بي‌تفاوتي همراه با بالا رفتن سن طلبه‌ها و اساتيد
		37. ورود علما به تذكّر آسيب‌هاي اجتماعي، مانند: بدحجابي
		38. در برنامه سمت خدا، منبرها و نمازجمعه
		39. زنده، پايدار و محبوب ماندن روحانيت به دليل عدم وابستگي به قدرت‌ها و احساس مسئوليت در برابر توده‌ها
		40. ورود بي‌تفاوت‌ها و بي‌دردها به صحنه انقلاب، در صورت از بين بردن اعتبار مسئولين نظام
	6. تأسيس‌كننده دولت اسلامي و جامعه اسلامي و تمدن نوين اسلام
		1. تئوري‌پردازي
		2. فعاليت‌هاي تبليغي
		3. فعاليت‌هاي عملي
		4. تحقيق در زمينه فلسفه‌هاي مضاف و فقه‌هاي تخصصي ناظر به اركان و ابعاد و ساحت‌هاي فعاليت نظام
		5. بيرون كشيدن نظريه‌هاي اسلامي در زمينه سياست داخلي و خارجي، امنيت و اقتصاد از متون الهي
		6. ربط نهاد ديني به چهره عمومي حكومت
		7. دو چهره بودن حكومت
			1. چهره خصوصي
			2. رقابت افراد براي دستيابي به قدرت و شوكت
			3. چهره عمومي
			4. خدمت به جامعه و مردم
		8. هدف دين ارائه خدمات و منافع عمومي
		9. قرار گرفتن حوزه انقلابي در فضاي عمومي حكومت
			1. اعم بودن نظام سياسي از حكومت
			2. حكومت
			3. دولت
			4. ملت
			5. نهادهاي سياسي غيرحكومتي
			6. دوري از ورود به منافع شخصي افراد حكومت
			7. نقش داوري در بخش شخصي حكومت
		10. وظايف حوزه در قبال حكومت
		11. نقد حكومت از درون با هدف برتري دادن چهره عمومي حكومت بر چهره خصوصي آن
		12. پاسباني از شعارهاي انقلاب؛ معطوف به چهره عمومي حكومت
		13. ايفاي نقش فعال به جاي اكتفا به انتظارات و خواسته‌هاي حكومت از حوزه
		14. تأمين فضايي آزاد براي بيان انتقادها توسط افراد منتقد و دلسوز انقلاب
		15. ارائه دهنده نظريه دولت اسلامي
		16. سامانه اداره جامعه
		17. انحصار كاربرد قدرت مشروع در يك سرزمين
		18. شامل
			1. قدرت
			2. منبع استفاده دولت
			3. حكومت
			4. نهادهاي اخذ تصميم و اجراي آن
			5. سياست
			6. ساختار دولت
			7. كارويژه‌هاي دولت
			8. شيوه حكمراني
			9. اداره جامعه
			10. نهادهاي تعليم و تربيت
			11. خانواده
			12. مسجد
			13. مدرسه
		19. دولتي متفاوت از
			1. امامت اسلامي
			2. نظام اسلامي
			3. رهبري اسلامي
		20. امكان وجود امامت و رهبري بدون دولت اسلامي
			1. سيزده سال رهبري پيامبر ص در مكه
			2. بيشتر ائمه ع
		21. ارزيابي پيوسته و مداوم كارآمدي اجتماعي حوزه از طريق رصد جامعه
		22. نظارت بر اجراي نظريه دولت در مسير تحقق دولت اسلامي
		23. تأمين‌كننده نرم‌افزار حاكميت و نيازهاي فرهنگي و فكري نظام جمهوري اسلامي
		24. حوزه پويا و پاسخگو به نيازهاي زمان
		25. براي اداره امور حكومت
		26. توانا براي تحقق اهداف انقلاب اسلامي
		27. توانا براي اداره نظامات جهاني
			1. خلاصه نشدن اهداف انقلاب اسلامي درون مرزهاي آن
		28. ارائه‌دهنده الگوي زندگي اسلامي
		29. پيشگام در تمدن‌سازي اسلامي
		30. باور به تحوّل و پيشرفت و روحيه تكامل‌طلبي
		31. هدف‌گيري آرمان‌ها و جهت‌گيري براي رسيدن به آن‌ها
		32. رويكردي استراتژيك و ناظر بر تحوّل در نگرش‌ها و سوگيري‌ها نسبت به مسائل و بحران‌هاي زمانه
		33. به هدف طراحي نظريه‌اي منسجم در زمينه نظام و جامعه اسلامي شيعي و سازواري آن در بخش‌هاي مختلف اقتصادي فرهنگي و سياسي با نيازهاي زمانه
		34. تقويت جايگاه عقل در اجتهاد به عنوان يكي از منابع استنباط حكم
		35. ارتقاي اجتماعيات در فقه و يافتن نگره‌اي اجتماعي حاكميتي به متون ديني
		36. توانمندسازي اجتهاد از طريق توجه به مؤلفه‌هاي زمان و مكان در اجتهاد و نقش مصلحت در احكام اجتماعي
		37. ترسيم هويت اسلامي و ايراني در چارچوب الگوي اسلامي ايراني پيشرفت براي عبور از بحران‌هاي پيش رو بر اساس انتظارات رهبران انقلاب
		38. منتقد به وضع موجود جامعه و وضع موجود حوزه‌هاي علميه و خواهان وضع بهتر در آينده و ارائه‌دهنده راهكارهايي براي بهينه‌سازي كشور يا حوزه
		39. شاخص‌هاي نهضت نرم‌افزاري در حوزه در نگاه مقام معظم رهبري
		40. ايجاد نشاط اجتهادي
		41. توليد فكر علمي و ديني
		42. شجاعت نظريه‌پردازي و مناظره روشمند
		43. وفاداري به اصول و اخلاق و منطق
		44. آزادانديشي و مناظره و نقد
		45. تعيين حد و حدود آزادي و اخلاق و منطق
		46. آزادي بيان مقيّد به منطق و اخلاق
		47. رواج حريّت و تعادل و عقلانيت و انصاف در مباحث علمي
		48. تضارب آرا و عقول
		49. شناخت شبهات و پاسخگويي به آن‌ها
		50. حمايت از نهضت نرم‌افزاري
		51. توليد نظريه در چارچوب اسلام
		52. تبديل «توليد نظريه و فكر» به ارزش عمومي در حوزه
		53. حمايت از نظريه‌پردازي و نظريه‌پردازان
		54. اعاده هويّت و عزّت جهان اسلام
		55. بهره‌گيري از مساعدت مراجع عظام تقليد
		56. همكاري و مشاركت فعال استادان و محققان برجسته حوزه
		57. نقد متون ترجمه‌اي
		58. خلاقيت و توليد در عرصه علم
		59. نهادينه‌سازي مناظرات علمي و نظريه‌پردازي در حوزه
		60. عبور از مسير مراحل انقلاب اسلامي براي امتداد بخشيدن به نهضت توحيدگستري و امتداد دهي به اسلام ناب و تحقق مراحل فرآيند تحقق اهداف اسلام
		61. قادر بر تبيين و تفسير هويت و حقيقت انقلاب بر پايه نگرش توحيدي
		62. كشف و طراحي و تنظيم و تبيين سبك زندگي اسلامي ـ بومي بر پايه منابع اسلامي براي سطوح مختلف جامعه
		63. تحوّل‌گر و تحوّل‌گرا و پاسخگوي نيازهاي عقيدتي و ارزشي و ديني جامعه در سطوح مختلف به منظور حركت به سمت اخلاق‌مداري و علم‌گرايي در جامعه به منظور دستيابي به سمت تمدن نوين اسلامي
		64. گسترش واقعي كرسي‌هاي آزادانديشي
		65. فرهنگ‌سازي براي فراهم شدن مقدمات ظهور
		66. برنامه‌ريزي‌هاي درازمدّت براي آينده حوزه
		67. با توجه به برنامه‌هاي صدساله داشتن دشمن براي انقلاب و حوزه
		68. طرح پاسخ به شبهه روايي «نفي قيام پيش از ظهور» توسط بزرگان حوزه
		69. جلوگيري از تبعيض در توزيع مناصب و بودجه‌ها در مراكز و نهادهاي حوزوي
		70. مشاهده تبعيض، دليل بريدن بعضي از روحانيون از انقلاب
		71. مثال: گرفتن امريه سربازي آقازاده‌ها براي كار در مراكز و اعزام فرزندان ديگران به مرزها
		72. مثال: دادن بودجه به مراكز و چاپ كتاب و ارسال رايگان، در مقابل احتياج مالي شديد بعضي طلاب
		73. «انقلابي بودن» روحانيون به معناي رها كردن راحتيِ نشستن در حوزه و مشغول شدن به كارهاي حكومت اسلامي
		74. ضرورت باز بودن هميشگي باب اجتهاد در حكومت اسلامي
		75. مجتهد در مسائل اجتماعي و حكومتي نبودن افراد فاقد بينش صحيح و قدرت تصميم‌گيري در زمينه اجتماعي و سياسي
		76. كافي نبودن اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها، به دليل نياز نظام اسلامي به وحدت رويّه و عمل در برنامه‌ريزي به نفع مسلمانان
		77. تعيين مديري از علماي برجسته، انقلابي و بصير براي مديريت حوزه
		78. مسئول اصلي تشخيص اسلاميت
		79. مدّنظر قرار دادن تحقق حداكثري دين در عرصه جامعه
		80. در فضاي تحقق حاكميت اسلامي
		81. با درك شرايط موجود
		82. همراهي با انقلاب
		83. حفظ روحيه انقلابي
		84. دور ماندن از تفكر سكولار
		85. تبيين مباني نظام سياسي
		86. تبيين رويكرد حكومتي به فقه و نظام‌سازي
		87. تحوّل علوم حوزوي در راستاي وصول به تراز انقلاب اسلامي
		88. ضوابط
			1. پويايي در روش
			2. كارآمدسازي
			3. روزآمدي
			4. نظام‌وارگي
		89. راهكارها
			1. بازخواني و بازتوليد علوم اسلامي در راستاي اداره مطلوب نظام اسلامي
			2. ايجاد دامنه و رويكرد سياسي اجتماعي حكومتي براي علوم حوزوي
			3. پاسخگويي به نيازهاي همه‌جانبه نظام اسلامي و ارائه به حاكمان
			4. اتخاذ رويكرد فقه حكومتي در درس‌هاي حوزوي
		90. تفكر سيستمي
		91. پديد آوردن اصول تفكر سيستمي در فرهنگ حوزه
		92. ضرورت نظام‌مندي براي رشد و پيشرفت و توسعه
		93. سيستم به معناي قاعده‌مندي و قانون‌مندي و منطق داشتن
		94. شناخت درست زمانه و كشف نقاط آسيب
		95. دائماً در حال توليد و حركت و بانشاط و ارائه دهنده راهبرد و غيرايستا
		96. راهكارها
		97. تقويت بنيه علمي حوزه‌هاي علميه
		98. حفظ ميراث فقهي حوزه
		99. پرهيز از افراط و تفريط در اجتهاد به معناي دوري از تحجّر از يك‌سو و دوري از سليقه‌محوري از سوي ديگر
		100. عدم گوشه‌گيري از عرصه اجتماع و سياست
		101. پرهيز از اختلاف و تلاش براي تحمّل نظريات مخالف و جريان‌هاي رقيب
	7. تلاش براي توانمند و اسلامي كردن علوم انساني
		1. استفاده از تجربه علمي در علوم عقلي و نقلي
		2. اسلامي‌سازي علوم انساني براي تحقق اهداف و وظايف حوزه
		3. ضرورت متحوّل شدن حوزه براي توانا شدن در تحوّل علوم انساني
		4. شكل‌گيري هر تمدني بر علوم انساني
		5. در پي علوم انساني اسلامي براي جايگزيني با علوم انساني سكولار
		6. نقد علوم انساني متداول
		7. پژوهش درباره پيراانگاره‌ها (عناصر پيراموني علم) علوم انساني
		8. توليد علوم انساني اسلامي
	8. انديشيدن به رسالت جهاني اسلام و انديشيدن به اسلامي در حجم تمام جهان
		1. در ارتباط با حوزه اهل سنّت جهان از نظر فقاهتي و تصميم‌سازي‌هاي اصولي
		2. قم
		3. الأزهر
		4. الزيتونة
		5. وظايف جهاني
		6. تربيت متفكر و انديشمند در تراز جهاني
		7. آينده‌نگري و برنامه‌ريزي براي حيات انسان
		8. تفكر احياگري و اصلاح‌طلبي نسبت به جوامع انساني
		9. آگاهي به زمان و مسائل آن
		10. دفاع از مستضعفان و مظلومان جهان
		11. عبور از شكاف عربي - عجمي يا فارسي - تركي
		12. عدالت‌خواه و حامي مظلومان و مستضعفان و محرومان داخلي و منطقه‌اي و جهاني
		13. حركت‌زايي و مبارزه با ايستايي و جمود و تعريف دايره‌اي جهاني و فرامذهبي و فراديني و فرامرزي در عين پايبندي به اصالت خويش
		14. توجه به تبليغ بين‌الملل و محصور نشدن در مرز ملّي
		15. طراحي و ارائه معارف ديني در قالب يك تمدن براي عرضه جهاني
		16. موضع‌گيري حوزه در برابر حوادث جهاني
		17. مانند: تعرّض عربستان به يمن و بحرين
		18. ضرورت شناخت هندسه سياسي و آرايش نيروهاي سياسي دنيا توسط هر روحاني دلسوز، براي يافتن تكليف خود
		19. افزايش دوستي‌ها و همكاري‌ها با ترويج رفتار تعاملي
		20. تقويت فرهنگ گفتگو و مدارا در راستاي تبديل معارض به مخالف و مخالف به رقيب
5. در كلام بزرگان
	1. امام خميني ره
		1. اگر دير بجنبيم اسلام آمريكايي از جلسات سياسيون ظاهرالصلاح وابسته به آمريكا و نيز از همين حوزه‌ها و دانشگاه‌ها چنان زيبا براي جهان پابرهنگان تشنه عدالت ترسيم مي‌گردد كه همگي محكوم به فنا هستيم
		2. روحانيت متعهد به خود سرمايه‌داران زالوصفت تشنه هستند و هرگز با آن‌ها سر آشتي نداشته و نخواهند داشت
		3. علماي اسلامي موظف‌اند با انحصارطلبي و استفاده‌هاي نامشروع ستمگران مبارزه كنند و نگذارند عده كثيري محروم و گرسنه باشند و در كنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرامخوار در ناز و نعمت به سر برند
		4. هميشه با بصيرت و با چشماني باز به دشمنان خيره شويد و آنان را آرام نگذاريد كه اگر آرام گذاريد لحظه‌اي آرمتان نمي‌گذارند
		5. سياست اين است كه جامعه را هدايت كند و راه ببرد، مصالح جامعه را در نظر بگيرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگيرد اين‌ها را هدايت كند به طرف چيزي كه صلاحشان است اين مختص انبيا و اولياست
		6. در حكومت اسلامي هميشه بايد باب اجتهاد باز باشد و طبيعت انقلاب و نظام همواره اقتضا مي‌كند كه نظرات اجتهادي فقهي در زمينه‌هاي مختلف ولو مخالف با يكديگر آزادانه عرضه شوند و كسي توان و حق جلوگيري از آن را ندارد و اين مهم شناخت درست حكومت و جامعه است كه بر اساس آن نظام اسلامي بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ريزي كند كه وحدت رويه و عمل ضروري است و همين جاست كه اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها كافي نيست
		7. تشريفات كه زياد شد محتوا كنار مي‌رود وقتي ساختمان‌ها ماشين‌ها و دم و دستگاه‌ها زياد شود موجب مي‌شود بنيه فقهي اسلام صدمه ببيند اين تشريفات اسباب آن مي‌شود كه روحانيت شكست بخورد
		8. هدف اساسي اين است كه ما چگونه مي‌خواهيم اصول محكم فقه را در عمل فرد و جامعه پياده كنيم و بتوانيم براي معضلات جواب داشته باشيم و همه ترس استكبار از همين مسأله است كه فقه و اجتهاد جنبه عيني و عملي پيدا كند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد
		9. روحانيت تا در همه مسائل و مشكلات حضور فعال نداشته باشد نمي‌تواند درك كند كه اجتهاد مصطلح براي اداره جامعه كافي نيست
		10. زمان و مكان دو عنصر تعيين كننده در اجتهادند مسأله‌اي كه در قديم داراي حكمي بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاكم بر سياست و اجتماع و اقتصاد يك نظام ممكن است حكم جديدي پيدا كند مجتهد بايد به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد
		11. با وجود آن‌ها مثل اين است كه دشمن به شما حمله كرده و يك نفر هم محكم دست‌هاي شما را گرفته باشد امروز جامعه مسلمين طوري شده كه مقدسين ساختگي جلوي نفوذ اسلام و مسلمين را مي‌گيرند و به اسم اسلام به اسلام صدمه مي‌زنند ريشه اين جماعت در حوزه‌هاي نجف و قم و مشهد و ديگر حوزه ها افرادي هستند كه روحيه مقدس‌نمايي دارند و از اين‌جا روحيه و افكار سوء خود را به نام اسلام در جامعه سرايت مي‌دهند
		12. من موافق نيستم حتي در جمهوري اسلامي روحانيون پست‌هاي دولتي بپذيرند. البته بعضي كارها در صلاحيت روحانيت است از قبيل استادي معلمي قضاوت اما روحانيون نبايد كار دولتي بپذيرند. آن‌ها بايد در كنار دولت بايستند و آن را ارشاد كنند. آن‌ها بايد بر فعاليت دولت نظارت و مراقبت داشته باشند. يك طريق معمول براي اعمال اين نظارت تأسيس همان دايره امر به معروف و نهي از منكر است كه مي‌بايد مستقل از دولت عمل كند
		13. مملكت مال اين زاغه‌نشينان اطراف تهران است كه من خدا مي‌داند براي اين‌ها غصه مي‌خورم و براي اين‌ها تا حالا فكري نشده مملكت مال اين‌هاست نهضت را اين‌ها پيش برده‌اند ما مرهون اين‌ها هستيم ما زندگي‌مان را اين‌ها اداره مي‌كنند كوخ‌نشين‌ها هستند كه مئونه اين مملكت و سرمايه اين مملكت‌اند نه آن كاخ‌نشين‌ها خداوند اين كوخ‌نشين‌ها را براي ما حفظ كند
		14. هيچ حركت و عملي از فرد و يا جامعه نيست مگر اين‌كه مذهب اسلام براي آن حكمي مقرر داشته است بنابراين طبيعي است كه مفهوم رهبر ديني و مذهبي بودن رهبري علماي مذهبي است در همه شئون جامعه چون اسلام هدايت جامعه را در همه شئون و ابعاد آن به عهده گرفته است
		15. اين انقلاب از درون مردم مي‌جوشد و از فطرت آنان بر مي‌خيزد بر مبناي اصل توحيد استوار است كه محتواي اين اصل در همه شئون جامعه سايه مي‌افكند
	2. آيت‌الله خامنه‌اي
		1. انقلابي‌گري در سه ساحت بايد توسعه پيدا كند
		2. بينش و تفكر انقلابي
			1. اعتقاد به مباني انقلاب
			2. اسلام سياسي
			3. استكبارستيزي
			4. تمدن اسلامي
		3. روحيه انقلابي
			1. داشتن دغدغه اجرايي كردن ارزش‌هاي انقلابي
		4. حركت انقلابي
			1. احساس خطر نسبت به انقلاب‌زدايي
		5. امروز اگر شما عالم هم باشيد بسيار باتقوا باشيد اما زمانتان را نشناسيد آن‌وقت آسيب‌پذير و كم‌فايده خواهد بود
		6. به ما مي‌گويند الگوي زندگي اسلامي را ارائه بدهيد. چه كسي بايد اين كار را بكند. طبيعي است كه حوزه بايد در اين جهت گام بردارد
		7. حوزه‌هاي علميه و علماي دين پشتوانه‌هايي هستند كه موظف‌اند نظريات اسلامي را در اين زمينه از متون الهي بيرون بكشند
		8. در اين‌جا يك مغالطه‌اي هست كه بايد به آن اشاره كنم. ممكن است بعضي بگويند اگر حوزه‌هاي علميه وارد مسائل جهاني مسائل سياسي مسائل چالشي نمي‌شدند اين‌قدر دشمن نمي‌داشتند و محترم‌تر از امروز بودند. اين مغالطه است هيچ جمعي هيچ نهادي هيچ مجموعه با ارزشي به خاطر انزوا و كناره‌گيري و گوشه‌نشيني و خنثي حركت كردن هرگز در افكار عمومي احترام‌برانگيز نبوده است. بعد از اين هم نخواهد بود
		9. بيان حقايق دين و آدم‌سازي كار دولت نيست كار حوزه‌هاي علميه است
		10. هر كس به سمت دولتي كردن حوزه‌هاي علميه حركت كند به حوزه‌هاي علميه خيانت كرده است به خاطر اين كه انسان يقين ندارد كه هميشه دولتي مطمئن سر كار باشد
		11. تحجّر آن است كه كسي كه مي‌خواهد از مباني اسلام و فقه اسلام براي بناي جامعه استفاده كند به ظواهر احكام اكتفا نمايد و نتواند كشش طبيعي احكام و معارف اسلامي را در آن‌جايي كه قابل كشش است درك كند و براي نياز يك ملت و يك نظام و يك كشور كه نياز لحظه به لحظه است نتواند علاج و دستور روز را نسخه كند و ارائه دهد. اين بلاي بزرگي است
		12. در همين حوزه افراد متعددي هستند كه كتاب مي‌نويسند مسافرت مي‌كنند گرسنگي و خستگي مي‌كشند به جبهه جنگ مي‌روند به جبهه تبليغ مي‌روند اين‌ها حركات فردي است و كافي نيست اين‌ها نارسايي‌هايي است كه حاكي از وجود علت‌هايي در داخل است علت اول اين است كه فقه به زمينه‌هاي نوظور گسترش پيدا نكرده يا خيلي كم گسترش پيدا كرده است امروز خيلي از مسائل وجود دارد كه فقه بايد تكليف اين‌ها را معلوم كند
		13. ما در طول زمان به دين و فقه به عنوان قالب و شكل براي حكومت نگاه نكرديم فقه ما اين‌طوري بوده لااقل در اين چند قرن اخير اين طور بوده است امروز فقه شكلي براي حكومت و شكلي براي نطام اجتماعي منها الحكومه است حكومت جزئي از يك نظام اجتماعي است
		14. تشكيل نظام اسلامي كه داعيه‌دار تحقق مقررات اسلامي در همه صحنه‌هاي زندگي است وظيفه‌اي استثنايي و بي‌سابقه بر دوش حوزه علميه نهاده است و آن تحقيق و تنقيح همه مباحث فقهي‌اي است كه تدوين مقررات اسلامي براي اداره هر يك از بدنه‌هاي نظام اسلامي بدان نيازمند است. روي آوردن به فقه حكومتي و استخراج احكام الهي در همه شئون يك حكومت و نظر به همه احكام فقهي با نگرش حكومتي يعني ملاحظه تأثير هر حكمي از احكام در تشكيل جامعه نمونه و حيات طيبه اسلامي امروز يكي از واجبات اساسي در حوزه فقه اسلامي است كه نظم علمي حوزه اميد برآمدن آن را زنده مي‌دارد
		15. در قم بايد درس‌هاي خارج استدلالي قوي‌اي مخصوص فقه حكومتي وجود داشته باشد تا مسائل جديد حكومتي و چالش‌هايي را كه بر سر راه حكومت قرار مي‌گيرد و مسائل نو به نو را كه پيش مي‌آيد از لحاظ فقهي مشخص كنند
		16. ما بايد فقه اسلامي را كه مشتمل بر جوانب مختلف زندگي انسان در زمينه‌هاي سياسي و اقتصادي و اجتماعي و فردي است در جامعه خود پياده كنيم و به تنظيم زندگي انسان‌ها از نظر آداب زندگي وضع معيشتي و ارتباطات سياسي و اجتماعي و خارجي بر مباني اسلام بپردازيم
	3. آيت‌الله مطهري
		1. كساني كه آرزوي اعتلاي آيين مبين اسلام را در سر دارند و درباره علل ترقي و انحطاط مسلمين در گذشته دور و نزديك مي‌انديشند نمي‌توانند درباره دستگاه رهبري آن يعني سازمان مقدس روحانيت نيانديشند
	4. آيت‌الله صافي
		1. پديدآورنده انقلاب اسلامي روحانيان بودند و بايد نگهبان اين دستاورد باشند
	5. آيت‌الله جوادي
		1. عالمان حوزه انقلابي به تعهدات اخلاقي و اجتماعي خود در راستاي مقابله با فقر و ستم عمل مي‌كنند
		2. افرادي كه در خانه نشسته‌اند و فقط عبادت فردي خود را انجام مي‌دهند انقلابي خوانده نمي‌شوند
	6. آيت‌الله مهدوي كني
		1. روحانيت پدر مردم است و نبايد به گروه خاصي منحصر گردد روحانيت بازوي رهبري و زيرمجموعه فقاهت و ولايت است و حزب و صنفي نيست و مادامي كه در اين حوزه باشد نيازي به مجوز وزارت كشور ندارد
	7. آيت‌الله يزدي
		1. علاقه‌مندي مقام ولايت به ايجاد تحول در حوزه‌هاي علميه نه از باب رهبري نظام سياسي است تا ديگران آن را مداخله دولت در نظام حوزه بدانند بلكه او به عنوان يكي از مجتهدان و حوزويان بحث تحول در حوزه‌هاي ديني را مطرح كرده است
		2. حفظ و حراست حاكميت ولايت فقيه از توطئه‌هاي دشمن
		3. حساس بودن در برابر اوضاع و احوال و حساسيت در برابر قانون‌گريزي
	8. آيت‌الله استادي
		1. حافظان دين
	9. آيت‌الله مقتدايي
		1. مدافعان نظام جمهوري اسلامي ايران
	10. آيت‌الله اعرافي
		1. روحيه جهادي براي نشر معارف اسلامي
	11. آيت‌الله بوشهري
		1. پايبندي به آرمان‌هاي امام و انقلاب و منويّات رهبر معظّم انقلاب و همراه و همگام با مراجع تقليد و استكبارستيز و پويا و فعال و آينده‌نگر و داراي نقشه راه
	12. حجةالاسلام احمد واعظي
		1. چندوجهي و چندساحتي بودن
		2. عدم تفسير انزواطلبانه از دين و دين‌داري
		3. اعلميت و اجتهاد و تقلاي علمي و تقوا و تديّن و اخلاق‌مداري و معنويّت گرايي
		4. آگاهي و بصيرت سياسي
		5. مردمي و خدوم بودن نسبت به جامعه
6. وضع موجود حوزه علميه قم
	1. در نسبت با انقلاب
		1. احتمال تربيت طلاب ضدانقلاب
		2. برطرف نشدن خطر انقلاب‌زدايي در حوزه
		3. وقوع حركت‌هاي غيرانقلابي و خلاف قانون به اسم حركت‌هاي انقلابي
		4. كانون حوزه در اختيار نيروهاي سنّتي داراي نگرش‌هاي غيرانقلابي
		5. كارهاي خوب در حال انجام در مسير حوزه انقلابي
		6. رشته تخصصي كلام جديد و قديم زير نظر آيت‌الله سبحاني
		7. بيان پاسخ شبهات جديد در رشته تفسير زير نظر آيت‌الله مكارم
		8. توجه به حوزه‌هاي مختلف نيازهاي اجتماعي در مركز فقهي آيت‌الله فاضل
		9. مركز فقهي آيت‌الله شبيري
		10. مركز پژوهشي آيت‌الله جوادي
		11. تبديل شدن وجه سلبي و انتقادي درون نظام اسلامي به ضدانقلاب
		12. مشتبه شدن انتقاد يك مرجع نسبت به ربوي بودن نظام بانكي با مخالفت با انقلاب
		13. عدم پذيرش مأموريت جديد حوزه (اقامه دين) با پيدايش انقلاب
		14. محافظه‌كار شدن و از دست دادن خصايص انقلابي
		15. بروز فساد و تضاد طبقاتي روحانيت درون حوزه، پس از انقلاب
	2. در نسبت با سياست
		1. عدم وجود ارتباط منسجم و سيستماتيك بين حوزه و نظام
		2. سبب فقدان رويكرد منظم و منقّح كاربردي و عملياتي در علوم حوزوي
		3. عدم تداوم اجتماعي و حكومتي علوم موجود در حوزه
		4. برخلاف فلسفه غرب در ورود به زندگي خصوصي مردم و حكم دادن
		5. استقلال روحانيت از دولت
		6. نه به معناي بيگانگي و قطع ارتباط با دولت
		7. به معناي فارغ بودن از آمريت سياسي در ترتيبات دروني خود
		8. نقش نداشتن دولت در ساماندهي دروني آن
		9. كاسته شدن از مدنيّت سازمان روحانيت به دليل حضورروحانيت در اركان قدرت
		10. سياست‌زدگي حوزويان
		11. تحليل‌هاي تقليدي به دليل نفوذ در حوزه و فريب طلاب از سوي سودجويان سياسي
		12. انحصارطلبي و خودحق‌مطلق‌پنداري برخي از روحانيون
		13. افراط و تفريط و دوري از اعتدال در سياست‌ورزي
		14. خودسري، تخطي از قانون و زير پا گذاردن آن در رفتارهاي سياسي
		15. عدم توازن ميان انقلابي‌گري و حمايت از نظام سياسي
		16. من ِ نظام سياسي
			1. حمايت از نظام
		17. من ِ انقلابي
			1. نقد شديد كاستي‌ها
		18. گرفتاري در دام تحجّر و تصلّب
		19. مقدّس‌مآبي
		20. انعطاف‌ناپذيري و سخت‌گيري
		21. خردستيزي و عقل‌گريزي
		22. عدم ادراك نقش اقتضائات عصري
		23. جزم‌انديشي
		24. واپس‌گرايي
		25. شخصيت‌زدگي
		26. انتقادناپذيري
		27. ايستادگي در برابر تحوّل انقلابي
		28. فقدان آينده‌نگري در چارچوب منظومه فكر سياسي
		29. ناتواني در اتصال حلقه وفاداري بين نظام اصالي و نيابي
		30. وفاداري به حوزه بدون وفاداري به نظام سياسي
		31. وفاداري به نظام ولايت سياسي معصوم(ع) بدون وفاداري به نظام نيابي ولايت فقيه
		32. وفاداري به اصل نظام بدون وفاداري به شخص ولي فقيه
		33. وفاداري به ولي فقيه بدون وفاداري به نوع و ساختار مردم‌سالارانه رژيم
		34. مخالفت با اسلام سياسي
	3. در نسبت با پيشرفت
		1. دنبال كردن الگوي توسعه غربي
		2. عدم تلاش براي تحقق تمدن اسلامي
		3. فاصله زياد با وضع مطلوب
		4. سطوح نيروهاي انساني
		5. مراجع
		6. استادان
		7. پژوهشگران
		8. مبلّغان
		9. مديران
		10. طلاب در حال تحصيل
		11. نهادينه نشدن آزادي در حوزه
		12. فضايي نامطلوب براي بحث علمي
		13. كاهش حرّيت و آزادي در حوزه
		14. احاطه نداشتن روشنفكران ديني به مباني اجتهاد
		15. ناتواني از ابداع و نوآوري در اجتهاد و اكتفا به سبك سنتي تدريس درس خارج
		16. تفكيك سه حوزه اعتقادات و اخلاق و فقه از يكديگر و عدم تسلط به زبان هم
		17. عدم حركت در يك راستا
		18. عدم وجود مطالعات ميان‌رشته‌اي
		19. دچار بحران هويت
		20. در صورت شانه خالي كردن از مسئوليت اقامه دين
		21. همواره پاسخگويي در محدوده نيازهاي فردي مؤمنان و مكلفان
		22. بحران كارآمدي نظام به سبب عدم پاسخگويي حوزه به چالش‌هاي نظري حكومت اسلامي در مواجهه با ابعاد مختلف مسائل روز
		23. غفلت از احكام اجتماعي اسلام و محدود شدن به اعمال فردي انسان و تبيين رابطه او با خدا
		24. جمود بر رويه مشهور و تكرار فتاواي گذشتگان
		25. ناكامي در رفع بحران هويت در ايران
		26. به چالش كشيده شدن هويت اسلامي در فضاي آزاد ارتباطي توسط حاملان هويت‌هاي رقيب
		27. فقدان نقشه جامع علمي در حوزه
		28. ابهام در جايگاه توليدي حوزه
		29. ضعف شديد در مهندسي علم و مديريت پژوهش و ساماندهي پژوهشگران
		30. فقدان مكانيسم‌هاي حل تعارض و تزاحم
	4. در نسبت با مردم
		1. در كنار مردم نبودن روحانيت
		2. سكوت حوزه نسبت به بحران‌هاي اجتماعي مانند: گورخوابي
		3. واكنشي و منفعل بودن توليدات روحانيت و عدم تأثير در خرده‌فرهنگ‌ها
		4. نهادي مدني به معناي برخاسته از بطن جامعه و در مقابل نهادهاي سياسي مثل احزاب و گروه‌هاي سياسي
	5. در نسبت با علوم انساني
		1. وجود دو جريان مانع تحول علوم انساني
		2. روشنفكران
		3. آخوندهاي منبري
		4. نظريه‌پردازي در همه عرصه‌ها بدون داشتن تخصص
		5. فاصله سطح دانشي حوزه علميه با سقف جهش موضوعات در سال‌هاي اخير
		6. فقدان تخصص‌گرايي در علوم مورد نياز جامعه سبب عمق نيافتن و به راه حل نرسيدن
		7. گرفتاري به بن‌بست علمي منطقه‌اي در حوزه
		8. عدم ارتباط با حوزه‌هاي جهان اسلام و دانشگاه‌ها
		9. جدا شدن علوم انساني از علوم حوزوي و نپرداختن به آن‌ها در حوزه
		10. عدم مطالعه و نظام‌سازي در عرصه اقتصاد اسلامي
		11. نبود توجه به مطالعات جامعه‌سازي و نهادسازي در حوزه
		12. عدم امكان تحقق تمدن اسلامي با اين رويه
		13. شكاف عظيم ميان عرضه و تقاضاي دانش انساني ـ اسلامي در حوزه
	6. آسيب‌هاي در معرض
		1. روحيه يأس و نااميدي
		2. جمود و تحجّر
		3. خودباختگي علمي و فرهنگي
		4. هتاكي و مسئوليت‌گريزي
		5. فروغلتيدن در مرداب سكوت و جمود
		6. شتابزدگي
		7. هرج و مرج فكري و علمي
		8. جدال و مراء
		9. افتادن در گرداب هرزه‌گويي و كفرگويي
		10. سياست‌زدگي و سياست‌زدايي
		11. نفوذ صاحبان قدرت و ثروت و تريبون
		12. گسترش فرهنگ فاسد بيگانه
		13. منزوي شدن صاحبان خرد و انديشه
		14. انفعال و عقب‌گرد جامعه و حكومت
		15. ترجمه افكار غرب